



پرولترهای جهان متحد شوید!

مسائل بین‌المللی

۶

بهمن - اسفند
سال ۱۳۶۵



ما اکنون حکومت را در دست داریم؛ این حکومت شوروی است. این حکومت که از طرف خود مردم پیشنهاد شده، امر سترگ صلح تمام خلقها را در زمینهٔ مساعدی قرار میدهد. و ای، لندن.

پوستر از نقاش شوروی: ا. ماسلیاکف

فهرست مقالات این شماره :

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>	<u>نویسندگان مقاله ها</u>
۳	از سال صلح به قرن صلح	—
۱۵	جاذبه اندیشه و عمل اکبر	خولیو روهاس
۲۶	تضاد های موجود میان امپریالیستها و طبقه کارگر	گروه پژوهشی
۴۱	در راه وحدت نیروهای اپوزیسیون	—
۴۲	با روحیه ای آماده برای رزم	عزیز محمد
۴۹	جنبش سند یکااش پس از کنگره جهانی	ابراهیم زکریا
۶۰	به اعد امهاد ر اند و نزی پایان د هید !	ساتیا جایا سودیمان
۶۱	خبرهای کوتاه	—

از سال صلح به قرن صلح

سال ۱۹۸۶ یعنی سال صلحی که به پایان میرسد در انسان احساس و اندیشه گوناگونی برمی انگیزد. ضمن ارزیابی رویداد های ماههای گذشته ما بی اختیار از خود می پرسیم: این سال تا چه اندازه با هدف والای خود توافق داشت، مردم تا چه حدی وظیفه تاریخی را کسبه بعهده آنها واگذار گردیده احساس می کردند و تا چه اندازه با آن موافق بودند؟ چنین پرسشی بجا و بحق است زیرا وضع موجود جهان حاصل اعمال و فعالیت های بشری است و واقعیات امروز به میزان زیادی تعیین کننده وضع فردا هستند.

در اعلامیه سازمان ملل متحد درباره اعلام سال بین المللی صلح گفته شده است " صلح آرمان همگان است". با این سخن همه موافقت و ولی با وجود این جامعه بشری از دستیابی به چنین آرمانی هنوز خیلی دور است. خطر آغاز آتشسوزی هسته ای بجای خود باقی است. مسأله تسلیحاتی بگناه امپریالیسم و در درجه اول بگناه امپریالیسم آمریکا ادامه دارد. این مسأله منابع مادی و فکری خلق ها را می بلعد، خطر کشانده شدن آن به فضای کیهانی و ایجاد پایگاه تجاوز در آنجا افزایش می یابد. جو سیاسی را کانونهای درگیری های نظامی در بخشهای مختلف سیاره ما زهرآلود می سازند. گرایش استفاده از زور بمنظور " مجازات" کشورهای که مطلوب محافل حاکمه ایالات متحده آمریکا نیستند، یعنی گرایشی که در سیاست این محافل بچشم می خورد نگرانی همگان را برمی انگیزد. وضع فلاکتباری که خلقهای بسیاری از کشورهای در حال رشد در آن بسر می برند تشدید میگردد.

البته، این گرایش های منفی که امنیت بین المللی را زیر علامت سؤال قرار داده اند همین امروز و یکروزه پدید نیامده اند. وظیفه ای که اکنون مطرح است این است که برای تأمین آینده جامعه بشری خزش بسوی بلیه هسته ای متوقف شود و در راه کاهش فعالیت های نظامی، تحکیم حسن تفاهم متقابل، اعتماد و همکاری کشورهای که دارای نظامهای اجتماعی متفاوتی هستند گامهای عملی برداشته شود و به کاهش تشنج و خلع سلاح نیروی محرکه تازه ای داده شود. مفهوم تصمیم سازمان ملل متحد در امر برگزاری سال صلح چنین است. در انجام چه

اقداماتی در این جهت موفقیت حاصل شد ؟ کشورهای گوناگون و احزاب سیاسی مختلف و مردم جهان در برابر فراخوان مجمع جهانی چه واکنشی نشان دادند ؟ در این مقاله می‌کوشیم به جمع‌بندی مختصری بپردازیم .

کوشش فراوان احزاب کمونیست و کارگری ، مردم و دولت اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در این جهت که مذاکرات دربارهٔ ضرورت خلع سلاح و برطرف ساختن خطر جنگ به اقدامات عملی منجر گردد ، از مشخصات نمونه وار (تیپیک) این سال بود .

تمام سال ۱۹۸۶ با مُهر و نشان متوقف ساختن آزمایش‌های هسته‌ای که اتحاد شوروی اعلام کرده بود سپری شد . با وجود اینکه دولت آمریکا از پیروی از اقدام اتحاد شوروی امتناع ورزید ، کشور شوروی چند بار تصمیم خود را تمدید کرد زیرا چنین برخوردی را نخستین گام واقعی و مؤثر در راه خلع سلاح هسته‌ای بشمار می‌آورد .

رهبری اتحاد شوروی در تلاش و کوشش برای رسیدن به این هدف ، هدفی که مورد توجه و علاقهٔ تمام جامعهٔ بشری است ، برنامهٔ گستردهٔ کاهش و نابودی مرحله به مرحلهٔ ذخایر هسته‌ای و همچنین سلاح شیمیایی و پایگاه‌های صنعتی تهیهٔ آن تا سال ۲۰۰۰ را مطرح ساخت . خلع سلاح هسته‌ای با منع ایجاد سیستم‌های ضربتی در فضای کیهانی در ارتباط بود .

این برنامهٔ پر دامنه جزئی از نظریهٔ کلی ایجاد جهان امن و خالی از سلاح هسته‌ای را تشکیل می‌دهد که در بیست و هفتمین کنگرهٔ حزب کمونیست اتحاد شوروی مورد قبول واقع شد . بعداً اساسهای اصولی سیستم جامع امنیت بین‌المللی که در برگزیدهٔ جنبه‌های عهدۀ آن یعنی جنبه‌های نظامی - سیاسی ، اقتصادی و انسازد و ستانه بود فرمول بندی شد . مشی صلح‌دوستانه اتحاد شوروی در کنگره‌های احزاب برادر که در سال ۱۹۸۶ برگزار گردید با پشتیبانی کامل رهبر گردید . پیشنهاد های مشخص این کنگره ها دربارهٔ ایجاد منطقهٔ بدون سلاح هسته‌ای در بالکان و مناطق فاقد سلاح شیمیایی در اروپا ، آن خط مشی را تکمیل کردند و تکامل بخشیدند ؛ رهبران کشورهای عضو پیمان ورشو که در بوداپست گرد آمده بودند با مراجعه باعضای ناتو و تمام کشورهای اروپایی برنامهٔ کاهش نیروهای مسلح و سلاحهای معمولی موجود در قاره و تحکیم اعتماد میان دو گروه کشورها و کاهش اقدامات و فعالیتهای نظامی کشورهای قاره را ارائه دادند . جامعهٔ کشورهای سوسیالیستی مسئلهٔ " ایجاد سیستم جامع امنیت بین‌المللی " را برای بررسی و اظهار نظر به سازمان ملل متحد ارجاع نمود .

جنبش خلقها در راه ایجاد مناطق صلح ، سرزمین‌های عظیمی از قارهٔ آسیا و اقیانوس آرام را فرا گرفت . پیشنهادات اتحاد شوروی دربارهٔ وارد نمودن منطقهٔ آسیا و اقیانوس آرام در

پروسهٔ عمومی تأمین صلح و امنیت با منافع بنیادی این خلقها مطابقت میکند . پیشنهادات جمهوری خلق مغولستان هم که با يك سلسله از ابتکارات اتحاد جماهیر شوروی هماهنگ است همین هدفها را دنبال میکند . کشورهای سوسیالیستی هند و چین بطور پیگیر خواستار تبدیل آسیای جنوب شرقی به منطقهٔ صلح و ثبات هستند . در کنفرانس بین المللی در پیونگ یانگ (ماه سپتامبر) نمایندگان ۷۸ کشور از مساعی جمهوری دموکراتیک توده ای کره بمنظور تبدیل شبه جزیرهٔ کره به منطقهٔ بدون سلاح هسته ای و صلح پشتیبانی کردند . چین توده ای هم خواستار قدغن کردن سلاحهای هسته ای ، شیمیایی و بیولوژیک است .

دیدار اتحاد شوروی و آمریکا در پایتخت ایسلند در سطح عالی که به ابتکار اتحاد شوروی انجام گرفت ادامهٔ منطقی تعرض گستردهٔ صلح آمیز سوسیالیسم و رویداد بزرگی در زندگی بین المللی و در مبارزهٔ خلقها علیه سابقهٔ تسلیحاتی و قدغن ساختن سلاح هسته ای و نابود کردن آن شد .

موضع اتحاد شوروی در دیدار روشن و صادقانه بود . این موضع که بیانگر عقیده و امیدها طیف بسیار گسترده ای از نیروهای صلح دوست است و متکی به اصول برابری و امنیت یکسان میباشد در ضمن منافع و پیشنهادات هردو کشور بزرگ ، متحدین آنها و تمام جامعهٔ بشری راهم در نظر میگردد . در این موضعگیری ، برخوردی تازه و تفکر سیاسی نوی که واقعیات قرن موشک و نیروی هسته ای را بحساب میآورد بطور مشخص خود را نمایان ساخت .

اتحاد شوروی روی میز مذاکرات ریکیاوپک يك پاکت ملو از تدابیر بنیادی مربوط بهمم قرار داد که تحقق آنها میتواند موجب چرخش رادیکالی در تمام وضع بین المللی بشود . خلاصه و مضمون این تدابیر بدین شرح است :

— طی پنجسال هردو طرف تا ۵۰ درصد از سلاحهای استراتژیک خود را کاهش دهند و سپس نابودی نهایی آنها را آغاز کنند ؛

— موشک های با برد متوسط شوروی و آمریکا در اروپا را کاملاً از بین ببرند و سپس بسه نابودی این قبیل تسلیحات در قارهٔ آسیا بپردازند ؛

— طرفین متعهد شوند که حداقل طی ده سال از قرارداد سال ۱۹۷۲ شوروی و آمریکا دربارهٔ دفاع ضد موشک عدول نکنند تا از این امکان برای هردو طرف کاملاً جلوگیری بعمل آید که سلاح نوع جدیدی بسازند و در جریان خلع سلاح هسته ای به برتری نظامی دست یابند ؛ به همین سبب در عرصهٔ ابتکار استراتژیک دفاعی کار به بررسیهای

آزمایشگاهی فقط محدود گردد .

در جریان این دیدار اتحاد شوروی اظهار آمادگی کرده که حاضر است برای دست یافتن به سازش‌های مورد قبول طرفین به گذشت‌های جدی تن در دهد . در نتیجه در مسائل مربوط به کاهش تسلیحات استراتژیک و موشک‌های با برد متوسط امکان رسیدن به توافق بدست آمد . ولی عدم تمایل مصرانه دولت آمریکا به امتناع از تحقق برنامه " جنگ ستارگان " امکان نداد توافق حاصل شده را در قراردادی تجسم بخشند که هر دو کشور هسته‌ای را به مراعات آن متعهد سازد . ریکیاویک بار دیگر بروشنی آشکار کرد که چه کسی واقعاً مدافع امر صلح و خلع سلاح است و می‌کوشد خطر جنگ هسته‌ای را از جامعه بشری دور سازد و چه کسی از این کار جلوگیری میکند . مردم جهان بار دیگر توانستند یقین حاصل کنند که صلح دوستی دولت آمریکا فقط به حرف محدود میگردد . دولت آمریکا با این قبیل سخنان منافع آزمندانۀ مجتمع نظامی - صنعتی را مستور میکند . این مجتمع که به برتری تکنیکی ایالات متحده آمریکا باور کرده است میکوشد از طریق ابتکار استراتژیک دفاعی به برتری نظامی دست یابد و سلطۀ خود را بر جهان برقرار کند . در واقع تأثیر نیروهای ارتجاع افراطی امپریالیستی صدای عقل و خرد را در گوش رهبری ایالات متحده آمریکا خاموش کرد .

البته ، درك اینکه ، اندک امیدی که تمام مردم جهان به دیدار ریکیاویک بسته بودند برآورده نشد تأشراًور است . شانس تاریخی که برای متوقف ساختن مسابقۀ تسلیحاتی و به عقب برگرداندن آن و گشودن راهی بمنوی جهان بدون سلاح هسته‌ای بروی جامعه بشری پدید آمده بود در نتیجه موضع مخرب واشنگتن از دست رفت . با وجود این دیدار ریکیاویک مفید بود و مرحله تازه‌ای برای دیالوگ بفرنج و دشوار کنونی شد . این دیدار منشاء تجارب فراوانی شد و امکان داد موضع هر دو طرف ، برخورد آنها بمسائل بنیادی معاصر یعنی قطع مسابقۀ تسلیحاتی و قدغن ساختن و نابود کردن سلاح هسته‌ای دقیق‌تر در انظار مجسم گردد .

وضع کیفی تازه‌ای پدید آمد و زمانی فرا رسید که مبارزه در راه خلع سلاح هسته‌ای وارد مرحله عالی تری شد و اینک دیگر هیچکس حق ندارد از آن برکنار بماند . در سهای ریکیاویک انگیزۀ نیرومندی برای این خواهند شد که تمام خلقها ، سازمانهای اجتماعی و دولتهای تمام کشورها صرفنظر از سمتگیری آنها بمبارزه همگانی در راه عادی ساختن وضع بین‌المللی و استواری امر صلح بپیوندند . اتحاد شوروی هم آمادگی خود را برای ادامه مشی صلح و ستانه اشرا اعلام کرد . م . س . گورباچف اظهار داشت " ما عمل خواهیم کرد . ما از مشی صلح و ستانه خود ، از مشی مبارزه علیه مسابقۀ تسلیحاتی ، قدغن کردن و نابودی سلاح هسته‌ای و مبارزه برای دور

کردن خطر از سراسر کره زمین عدول نخواهیم کرد". پیشرفت در این راه، در صورتیکه دولت آمریکا در مورد سرنوشت کشور خود و سراسر سیاره ما بطور کلی از خود اراده سیاسی و احساس مسئولیت نشان نهد، به واقعیتی مبدل خواهد شد. ولی این پروسه فقط وابسته به دو کشور، اگرچه کشورهای بزرگی هم باشند، نیست؛ این امر نیازمند اشتراک فعال تمام کسانی است که واقعا در آینده صلح آمیز جامعه بشری ذینفع هستند.

در تمام کشورها مردم باید از موضع کشورهای مختلف، احزاب و شخصیت های سیاسی در ارتباط با مسائل تأمین امنیت و خلع سلاح، بطور عینی باخبر باشند. این بطریق اولی بـسـدان سبب لازم است که محافل نظامی آمریکا، بلافاصله پس از دینار ایسلند به تبلیغات دامنه داری برای موجه جلوه دادن برخورد مخرب و آشننگتن به خلع سلاح هسته ای، نسبت دادن پیشنهاد استراتژیک به دولت آمریکا و تصویر ابتکار استراتژیک دفاعی بمنزله راهی بصلح دست زدند. در حالیکه ابتکار استراتژیک دفاعی در واقع علت عمده عدم پذیرش پیشنهاد های اتحاد شوروی در ریکیاویک یعنی عدم پذیرش پیشنهاد هایی بود که برای گام نهادن به قرن بیست و یکم بسد و ن سلاح هسته ای امکان فراهم می کردند. حتی اگر از موضع دولت آمریکا به این موضوع توجه کنیم، مفهوم نیست که وقتی در جهان وسایل حمله هسته ای نابود گردد ابتکار استراتژیک دفاعی که بمنزله سیستمی دفاعی عرضه میشود چه لزومی خواهد داشت. به چه دلیلی باید قرارداد های موجود را که هم اکنون مسابقه تسلیماتی در زمین و فضای کیهانی را محدود میکنند متزلزل ساخت و یا ملغی کرد؟

نتایج ریکیاویک در بسیاری از دوستان صدیق صلح این شك و تردید را ایجاد میکند که آیا بطور کلی نیروئی در روی زمین وجود دارد که قادر باشد تأثیر مجتمع نظامی - صنعتی در محافل حاکمه ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی را برطرف ساخته و خنثی کند و آنها را وارد بسود صلح و امنیت همگانی گامهای واقعی بردارند؟ بعقیده ما چنین نیروئی وجود دارد. این نیرو، تمام کسانی هستند که مخالف جنگ میباشند و از صلح دفاع میکنند.

سالی که سپری میشود با افزایش فعالیت مجامع صلحدوست مشخص میگردد. ثبات و پافشاری کشورهای سوسیالیستی و پیگیری آنها در اقدامات صلح گسترانه، واقع بینانه و تحقق پذیر بودن ابتکارات آنها به ایجاد جو تازه اجتماعی - سیاسی و روانی در جهان یاری رساندند. برغم تبلیغات دامنه داره تهمت پراکنی و انتشار اخبار دروغ از طرف محافل میلیتاریستی ناراضی گسترده و آشکار مردم جهان از موضع ایالات متحده آمریکا در دیدار ریکیاویک نمایان گردید. این نشان میدهد که دادن پاسخ منفی به پیشنهاد های مشخص صلح و گامهای پراتیک برای

واشنگتن و متحدین آن در ناتو هرچه دشوارتر میشود. سخنانی که درباره صلح دوستی گفته میشود ولی با عمل توأم نیست فاش و برملا میگردد. موضع کمانیکه از افزایش نیروی نظامی و استفاده از آن بمنزله یک وسیله سیاسی طرفداری میکنند متزلزل میشود و براج و اعتبار آنها نیکه طرفدار امنیت یکسان برای همه در عین حفظ حداقل اسلحه در روی زمین هستند و خواستار خلع سلاح میباشند افزودن میگردد.

جنبش طرفداران صلح به مرحله ای که از لحاظ کیفی تازه است ارتقاء یافته است. شرکت کنندگان در اقدامات و فعالیت های این جنبش هیچوقت باندازه امروز زیاد نبود است. تشدید فعالیت ضد جنگ اتحادیه های کارگری و سایر سازمانهای زحمتکشان اهمیت ویژه ای کسب کرده است. اشتراک آنها در مبارزه در راه صلح شرط لازم برای افزایش شریکشی اقدامات طرفداران صلح است، زیرا هم وسایل لازم برای کار خلاق و هم تسلیحات نظامی بادست و اندیشه کارگران، مهندسين، تکنسین ها و دانشمندان ساخته میشود. نتایج کنفرانس سندیکاها ویژه خلع سلاح در دویلین (۱)، اسناد یازدهمین کنگره جهانی سندیکاها در برلین و تصمیمات مجامع سندیکاها ملی (اتحادیه های کارگری کشورهای جداگانه - مترجم) براین گواهی میدهد که علاقه به فعالیت در راه صلح و مبارزه علیه خطر هسته ای امپریالیستی میان توده های زحمتکش رو با افزایش است.

احساس مسئولیت برای بقای جامعه بشری و حفظ تمدن و وظیفه و کار همگان و هر فرد جداگانه است. بهمین سبب است که نهضت پیروی از سیاستی بخردانه و مبارزه در راه خلع سلاح و تحکیم صلح زمینه اجتماعی هرچه گسترده تری پیدا میکند. اینک ما فقط چندفاکت از تاریخچه سالی را که سپری میشود یادآور میشویم. در کنگ ششمین کنگره نهضت "پزشکان جهان طرفدار جلوگیری از جنگ هسته ای میباشند" برگزار شد؛ مجمع بین المللی دانشمندان طرفدار قطع آزمایشهای هسته ای در مسکو تشکیل گردید؛ در صوفیه "مجمع محیط زیست شناسان در راه صلح" پدید آمد؛ در کپنهاک برای نخستین بار کنگره استادان و آموزگاران طرفدار صلح، خلع سلاح، حُسن تفاهم میان خلقها و پرورش و تربیت جوانان با روحیه صلح دوستی برگزار گردید. مجامع علمی و فرهنگی از مرحله مطلع ساختن و برحذر داشتن از خطرهای جنگ هسته ای به مرحله کوشش های عملی برای حل و فصل مسئله کنترل تسلیحاتی و خلع سلاح هسته ای

۱- مقصود دومین کنفرانس جهانی سندیکاها ویژه جنبه های اجتماعی - اقتصادی خلع سلاح

است که در ماه مه ۱۹۸۶ بابتکار کمیته بین المللی داعی صلح و خلع سلاح سندیکاها

(کمیته دویلین) برگزار شد. هیئت تحریریه.

گام نهاده اند. این واقعیت را همکاری زلزله شناسان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا نشان داد. شخصیت های فرهنگی، وکلای دادگستری، ورزشکاران، سازمانهای زنسان، اتحادیه های جوانان، جمعیت های بومی و جنبش های همبستگی هم در ردیف دانشمندان در تظاهرات و فعالیتهای ویژه صلح هرچه جدی تر شرکت می ورزند. درک مسئولیت جمعی انسانها در برابر سرنوشت جامعه بشری محافل مذهبی مسیحی، مسلمان و بودایی را برمی انگیزد که در دفاع از صلح و زندگی به اقدامات قاطعانه ای دست بزنند. این پدیده در یک سلسله از مجامع بین المللی بازتاب یافت.

حتی در ایالات متحده آمریکا هم که هرگونه ابتکار صلحی - از هرکجا که آغاز گردد، از طرف مطبوعات بورژوائی و محافل رسمی بشکل تحریف شده ای عرضه میشود، یا محکوم میگردد و یا درباره آن سکوت میکنند در آگاهی عمومی و رفتار و کردار مردم تغییراتی بوجود می آید. در بهار سال ۱۹۸۶ فقط ۴۲ درصد از آمریکاییها از قدغن کردن آزمایش های هسته ای طرفداری کردند، ولی تابستان ۵۶ درصد و در پاییز ۸۰ درصد به این فراخوان پیوستند! به تعداد سازمانهای آمریکایی طرفداران صلح هم برغم تلاش دولت در قلمداد کردن آنان بمنزله افرادی که میهن پرست نیستند و طبق دستورات از خارج عمل میکنند، افزوده میشود. اگر در سال ۱۹۸۴ در سراسر آمریکا تعداد این قبیل سازمانها به ۱۳۵۰ سازمان بالغ میشد، اینک تعداد آنها به ۵۷۰۰ رسیده است.

سال صلح بشکل بویژه گویائی نشان داد که در تمام مناطق سیاره ما میلیونها و میلیونها نفر به این عقیده گرویده اند که کلیدی که در را بروی مسابقه تسلیحاتی هسته ای می بندد قطع آزمایشهای هسته ای است؛ زیرا بدون این آزمایشها نمیتوان انواع تازه سلاح هسته ای را ساخت و یا آنها را کاملتر کرد؛ بدون آزمایشهای هسته ای نمیتوان طرح ابتکار استراتژیک دفاعی را تحقق بخشید. مجامع صلحدوست جهان از واشنگتن طلب میکنند به ابتکار اتحاد شوروی بپیوندند و آزمایشهای هسته ای خود را متوقف سازند و به فراخوان شش کشور که در دلهی با ماضی رسید پاسخ مثبت دهد.

مردم با وجود پایگاههای نظامی پنتاگون در سرزمین های خود مخالفتند. اکنون چندین سال است که مبارزه زنان دلاور گریه هام کمون که خواستار پیاده کردن موشکهای آمریکا و بیرون بردن آنها از انگلستان هستند ادامه دارد. دویست هزار نفر از طرفداران صلح در تظاهرات اعتراض آمیز علیه استقرار موشکهای بالدار در هاسلباخ واقع در جمهوری فدرال آلمان شرکت جستند. در استرالیا، ژاپن، یونان و بسیاری از کشورهای دیگر جنبش

خواستاران برجیده شدن مراکز نظامی ایالات متحده آمریکا و اعلام تعدادی از شهرها و نقاط مسکونی بمنزله مناطق خالی از سلاح هسته ای گسترش مییابد. اقدامات اهالی علیه استفاده واشنگتن از پایگاهها و مزدوران خود برای انجام عملیات تجاوزکارانه در آمریکای لاتین دامنه وسیعی یافته است.

در کشورهای در حال رشد پتانسیل نیروهای صلحدوست بعیزان قابل توجهی افزوده شده است. بمباران شهرهای لیبی، وارد آوردن فشار به سوریه، کمک نظامی آشکار به مخالفان رژیم در نیکاراگوئه، حملات تازه علیه سازمان آزاد بپخش فلسطین، مداخله در امور لبنان، گسترش همکاری با نژاد پرستان جمهوری آفریقای جنوبی، پشتیبانی از دسته های اشرار ضد انقلاب که اهالی را تحت فشار قرار داده و تلاش میکنند حاکمیت خلق را در آنگولا، موزامبیک، افغانستان و کامبوج واژگون سازند، همه با منطقی اجتناب ناپذیر شخصیت های سیاسی و توده های مردم را معتقد میکنند که تشدید مبارزه ضد امپریالیستی امری لازم و ضرور است.

در عین حال این نکته را هرچه بیشتر درک میکنند که تأمین امنیت کشورهای در حال رشد فقط به عرصه نظامی محدود نمیشود. خلقها هرچه روشن تر می بینند که میان مسابقه تسلیحاتی و پیشرفت آنها ارتباط معکوس وجود دارد. کاهش تسلیحات و خلع سلاح، کاهش هزینه های نظامی کشورها برای آزاد شدن منابع عظیم مادی، مالی و انسانی بمنظور استفاده از آنها برای هدفهای مسالمت آمیز و سازنده و از جمله برای برطرف ساختن عقب ماندگی اقتصادی، گرسنگی و بیماریهای واگیر در بسیاری از مناطق کره زمین امکان فراهم میآورد. بعکس تشدید مسابقه تسلیحاتی موجب کاهش وسایل لازم برای برطرف ساختن نیازهای ترقی اجتماعی - اقتصادی میگردد و منافع حیاتی توده ها را محدود میسازد. تصادفی نیست که پیشنهادات رؤسای جمهوری برزیل و آرژانتین درباره غیرنظامی کردن اتلانتیک جنوبی و اعلام آن ناحیه بمنزله منطقه صلح و همکاری و فارغ از سلاح هسته ای نه فقط حاوی وظیفه صلح آفرین بسیار مهمی هستند و مشی مستقل کشورهای آمریکای لاتین را تثبیت میکنند، بلکه توجه بمنافع همبستگی اقتصادی خلقها و کشورهاییکه علیه ستم شرکت های ترانس ناسیونال و فوندارز بین المللی بهاخته اند نیز آنها را الزام میکند.

در هشتمین کنفرانس جنبش عدم تعهد در حراره تاکید میشد که پیشرفت بدون صلح غیر ممکن است و صلح هم بدون پیشرفت برای اکثریت عظیمی از ساکنان روی زمین امکان پذیر نیست. منافع امنیت، هم امنیت جهانی و هم منطقه ای، نیازمند امتناع از سیاست "سلطه بر جهان - نئوگولیا لیم" و تلاش برای مداخله در امور کشورهای مستقل است. برای دگرگون سازی سراسر

سیستم مناسبات بین المللی بر مبنای دموکراتیک و برقراری نظم اقتصادی بین المللی نو، الغای عقب ماندگی ها و حل و فصل عادلانه مسائل مربوط به وامهای خارجی مساعی هدفمندی لازم است. کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال رشد و همچنین سیاستمداران واقع بین غرب از ایمن اقدامات طرفداری میکنند. در نتیجه از یکسو پایه ای برای تشریح مساعی گسترده بین المللی بوجود میآید که شرط لازم برای حل موفقیت آمیز مسائلی است که منافع تمام جامعه بشری را دربر میگیرند و از سوی دیگر نیروهای تازه ای در "جهان سوم" به مبارزه در راه صلح، خلع سلاح و علیه خطر جنگی که منشاء آن امپریالیسم است می پیوندند که پتانسیل کلی نیروهای صلحدوست را افزایش میدهد.

تمام اینها بدانجا منجر میگردد که حالا دیگر کسی نمیتواند از جنبش ضد جنگ برکنار بماند و دامنه آنرا بحساب نیارود. این جنبش در اندیشه و کردار انسانها مؤثر است، در شخصیتها^ی اجتماعی و دولتی تأثیر میکند، به تثبیت کیفیت تازه زندگی بین المللی یاری میرساند و به تمایل و آمادگی بخش چشمگیری از مجامع گوناگون ملل برای کمک به امر صلح می افزاید. کنفرانس استکهلم ویژه تدابیر لازم برای تحکیم اعتماد و امنیت و خلع سلاح در اروپا با موفقیت پایان یافت. اجلاسیه ویژه ماگاته (۱) قرار را بتصویب رسانید که کشورها را به دادن خبر و کمک به یکدیگر در صورت بروز سوانح هسته ای ملزم میکند. کنفرانس مانیل کشورهای آسه آن با نظریه ایجاد منطقه فاقد سلاح هسته ای در این بخش از جهان موافقت بعمل آورد. کشورهای عضو مجمع جنوب اقیانوس آرام قراردادی را بتصویب رساندند که بخش جنوبی اقیانوس آرام را چنین منطقه ای اعلام میکند؛ اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین اعلام کردند که اراده خلقهای این منطقه را محترم می شمارند. نتایج دیدارهای بین المللی نشان میدهند: اراده سیاسی شخصیت های دولتی برای تحقق خلع سلاح و همکاری در پرتو پشتیبانی نیرومند تمام نیروهای صلحدوست به عامل مؤثری مبدل میگردد.

در عرصه های فعالیت دولتها و محافل حزبی و اجتماعی بسیاری از کشورها طرز تفکر سیاسی نوی که بازتاب درك اشتراك سرنوشت انسانها در برابر خطر بلیه هسته ای است جوانه می زند. معلوم است که این فعلاً فقط سرآغاز يك گرایش است. اعلام اینکه این گرایش به گرایش مسلط مبدل گردیده مبالغه می بود. زیرا این طرز تفکر هنوز در بسیاری از نقاط در عمل و در سیاست مشخص بروز نمیکند. ولی برخورد تازه به ارزیابی وضع جهان و دورنمای پیشرفت و انجام امور بین المللی با تشریح مساعی جمعی، هرغم مقاومت شدید محافل میلیتاریستی، بتدریج راه

خود را می‌گشاید. این مسئله عمده است.

رشد جوانه های طرز تفکر نو از اینجا نیز مشهود است که اینک، بیش از هر زمان دیگری شرایط مقدماتی مساعدی برای همکاری کمونیست ها و سوسیال - دموکراتها در جهت تأمین امنیت بین المللی فراهم میگردد. هفدهمین کنگره انترناسیونال سوسیالیستی که در لیما برگزار شد (تابستان گذشته) تأیید کرد که موضع هرد و نیروی سیاسی در مورد یک سلسله از مسائل مبارز در راه خلع سلاح و سالمسازی وضع جهان بهم نزدیک است یا با یکدیگر تطابق دارد. صحبت بر سر پشتیبانی از قطع آزمایشهای هسته ای از طرف اتحاد شوروی و فراخواندن ایالات متحده آمریکا به پیروی از این اقدام؛ محکوم کردن برنامه "جنگ ستارگان"، عملیات تجاوزکارانه واشنگتن در آمریکای مرکزی و مناطق دیگر؛ ایجاد مناطق فاقد سلاح هسته ای و مسائل بسیار دیگر است. نزدیکی مواضع امکان میدهد هرد و نیرو پیشنهاد های مشخص مشترکی مطرح سازند که ابتکارهای حزب سوسیالیست متحد آلمان در جمهوری دموکراتیک آلمان و سوسیال - دموکراتهای آلمان غربی (هرد و حزب حاکم در کشور خود هستند) که حزب کمونیست چکسلواکی هم به آنها پیوست نمونه ای از آن است. این سه حزب پیشنهاد کرده اند که در اروپا منطقه فاقد سلاح شیمیائی و همچنین کریدر فاقد سلاح هسته ای در طول مرزهای سه کشور بوجود آورده شود. تصمیم حزب لیبرال بریتانیا کبیر برای دست یافتن به خارج ساختن سلاحهای هسته ای آمریکا از کشور و پیروی از سیاست دفاع غیراتمی هم اقدام سیاسی بسیار مهمی بود.

بدین ترتیب، سال صلح بار دیگر تأیید کرد که نیروهای صلح، خرد و وجدان دارای وزن بین المللی قابل توجهی هستند و از ذخائر پایان ناپذیری برخوردار میباشند. ولی با این همه اعتراف کرد که این نیروها هنوز قادر نیستند در تمام موارد در مبارزه در راه سیاستی خرد مندان به ایجاد تغییر دست یابند. ما شاهد تمرکز امکانات نیروهای صلح دوست و تجربه آنها در مقابله با میلیتاریسم میباشیم. جنبش های صلح در یک سلسله از کشورهای سرمایه ب میزان روز - افزونی احساس میکنند که ساختارهای حاکمیتی که در آن کشورها وجود دارد مانع تحقق اراده اکثریت مردم است. جمع بندی اقدامات ضد موشک در اروپای غربی نشان داد که نتایج نمریخش فقط هنگامی بدست میآیند که توده ای بودن جنبش این توانائی را داشته باشد که در خود پروسه و در منابع اخذ تصمیمات سیاسی تأثیری تعیین کننده بنماید. این امر، اکنون، پس از دیدار ریکیاویک، بویژه مهم است.

طرفداران صلح که در اکتبر سالی که سپری میگردد در کنگره جهانی خود در پایتخت دانمارک گرد آمده بودند وضع کنونی بین المللی را تجزیه و تحلیل کردند و خواستار برداشتن

گامهای مؤثری برای خلع سلاح هسته ای با اشتراك كامل تمام نیروهای خلقی و سیاسی و همه کشورهای در این پیرویه شدند. نزدیک به دوهزارویانصد نماینده، چند صد تن از فعالین جنبشها طرفداران صلح از ۱۳۶ کشور جهان و فرستادگان ۹۴ سازمان بین المللی در این کنگره مطیف متنوع افکار عمومی جهان را منعکس میکردند. نظریات آنان همیشه و در تمام مسائل با هم مطابقت نمیکرد. ولی در مسئله عمده، در اینکه جامعه بشری باید خطر خود نابودی را برطرف سازد، خطر هسته ای را از بین ببرد و خلع سلاح واقعی را آغاز کند همه هم رأی بودند. فراخوان کپنهاک که از طرف شرکت کنندگان در کنگره امضاء شده و بابتکار نمایندگان شش کشور یکدیگر د هلی گورد هم آمده بودند تهیه و تنظیم گردیده خواستار امنیت که "مسابقه تسلیحات هسته ای در زمین متوقف گردد و از کشاندن شدن آن به فضای کیهانی جلوگیری شود، تمام سلاحهای هسته ای نابود گردد و گامهای عملی فوری در جهت قطع بیدرتنگ تمام آزمایشهای هسته ای برداشته شود و از برنامه "جنگ ستارگان" صرفنظر گردد". پشتیبانی گسترده از این سند در تمام قاره ها توسعه پیدا میکند.

کمونیستهای که بیانگر منافع و خواستههای طبقه کارگر و همه زحمتکشان میباشند در جنبش در راه صلح فعالانه شرکت میجویند و برای افزایش شریکشی مبارزه آن علیه سیاست میلیتاریستی فعالیت میکنند. بطور مثال در آرژانتین آنها به اشاعه و انتشار "فراخوان ۱۰۰" میان مردم کمک میکنند. این فراخوان را شخصیت های برجسته کشور بمنظور بسیج مردم برای مبارزه علیه خطر هسته ای و دفاع از زندگی تهیه و امضاء کرده اند. حزب کمونیست آلمان به دولت فدرال و بوندستاگ (پارلمان) پیشنهاد کرده است قانونی درباره "منشور صلح" بتصویب رسانند و در آن اصول و خواستههایی را که امنیت را تضمین کنند تعمیم دهند، زیرا از این اصول و خواستهها نه فقط کمونیستها، بلکه سایر نیروهای سیاسی و اجتماعی هم پشتیبانی میکنند ضمن این پیشنهاد همچنین خواسته شده است که آن اصول و خواستهها معیار سیاست تازه امنیت گردند. اینک در شهرهای جمهوری فدرال آلمان در پشتیبانی از "منشور صلح" جمع آوری امضاء ادامه دارد. احزاب کمونیست این را در نظر میگیرند که وحدت عمل در چهارچوب ائتلاف گسترده گروهها و سازمانهای ضد جنگ، در مورد هر مسئله و در هر وضع مشخصی در نتیجه توافق چند جانبه منافع بوجود میآید. بحساب آوردن این منافع حائز اهمیت است، در غیر اینصورت در برابر نیروها که تلاش میکنند جنبش در راه صلح را پراکنده و متفرق سازند و شرکت کنندگان در آنرا علیه یکدیگر تحریک کنند، میتوان متحدین و همزمان را از دست داد. برابری حقوق، احترام متقابل و آمادگی برای همکاری بر پایه اساسهایی که بتوافق رسیده است ضامن مقابله موفقیت آمیز با دسائیس

محافل امپریالیستی است .

چنین برخوردی امکان همکاری جریانهای گوناگون اجتماعی - سیاسی را در عرصه های ملی و بین المللی گسترش میدهد . رویدادهای سال صلح گواه عزم راسخ مردم صلحدوست برای است که پیگیرتر و با جدیت بیشتری از گذشته خواستار نتایج عطفی در راه کاهش تشنج و خلع سلاح شوند . این اساسی است که به همه نیروهای ضد جنگ امکان میدهد به همکاری نزدیک تری پردازند و بدین ترتیب در مواضع دولت ها و جریان پیشرفت آتی امور بین المللی بشکل وسیعتری تأثیر کنند .

بطوریکه بارها در کنگره جهانی در کینهاک تأکید شد کار پایه ای که اتحاد شوروی در ریکیاویک پیشنهاد کرده زمینه واقعی برای حل و فصل بنیادی مسائل جنگ و صلح است . اگرچه در سال ۱۹۸۶ در بدست آوردن چرخش قاطع در بهبود امور بین المللی توفیق حاصل نشد ، با وجود این طرز تفکر سیاسی تازه راه خود را از میان انبوه رویارویی ها می گشاید . گرایش آشکار به انزوای نیروهای میلیتاریست و امپریالیست در انسان خوش بینی ایجاد میکند . تا سال ۲۰۰۰ دیگر زمان زیادی باقی نمانده است . اگر ما می خواهیم قرن بیست و یکم نخستین قرن دوران فاقد سلاح هسته ای و قرن صلح گردد نباید تعلل بخرج داد . زمان اقدامات تازه پر دامنه و قاطعانه بسود خلع سلاح فرارسیده است . این اقدامات سرنوشت تمام جامعه بشری را تعیین خواهند کرد .

یاد امین لوهامسورن

عضو کمیته مرکزی حزب خلق انقلابی مغولستان
عضو هیئت تحریریه مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم "

آنتونیو گرانزا

عضو رهبری ملی حزب کمونیست برزیل
عضو شورای هیئت تحریریه مجله

گورگ کویا توفسکی

عضو شورای هیئت تحریریه نماینده
حزب کمونیست آلمان در مجله

جاذبه اندیشه و عمل اکتبر

هر سالروز انقلاب سوسیالیستی در روسیه نه فقط جشن بین المللی همگانی، بلکه تأیید تازه ای بر اهمیت جهانی - تاریخی اکتبر کبیر، یادآوری تازه ای از راهی بزرگ و دشوار از عقب ماندگی بسوی ترقی است که مردم شوروی طی زمان نسبتاً کوتاهی طی کرده اند. انقلاب اکتبر که بیانگر پیدایش نخستین کشور پرولتری و جامعه عدالت اجتماعی در جهان بود سرآغاز عصر سوسیالیستی در زندگی جامعه بشری و مبنای تغییرات بنیادی در سیمای جهان گردید. سوسیالیسم ابتدا در یک کشور واقعیت یافت و سپس به سیستم جهانی مبدل گردید که عرصه حاکمیت امپریالیستی را بمیزان شایان توجهی محدود کرد.

ویژگی سالروز کونی اکتبر کبیر عبارت از این است که یک سلسله از کنگره های بسیاری از احزاب برادر در فاصله زمانی کوتاهی پس از آن برگزار گردید. اسنادی که در این کنگره ها به تصویب رسید سهم جمعی در دست آورد مشترک ما در تئوری و پراتیک مارکسیستی - لنینی است. مجمع کمونیستهای شوروی که همفکرانشان در کشورهای گوناگون دهه های برادری و همستگی انترناسیونال واقعی را با آنان در ارتباط میدانند، اهمیت عظیمی کسب کرد. حزب لنین که از میان شعله های سه انقلاب و پیکار علیه تجاوزکاران خارجی و نیروهای ارتجاع برون آمده است و در مبارزه و کار آبدیده شده است، در مرحله پیدایش چرخشی در جهان کونی رهنمودهای تازه ای در راه نجات موجودیت جامعه بشری و تسریع در ترقی اجتماعی مطرح ساخت.

اسناد تاریخی

هیئت نمایندگی حزب کمونیست پاراگوئه که در بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت داشته و دو خصیصه تیبیک آنرا خاطر نشان کرده است، یکی ادامه کاری و دیگری نوآوری. گزارش سیاسی کمیته مرکزی و سایر اسناد و مدارک کنگره ذخایر سیاسی - تئوریک ما را غنی تر میسازند و در مبارزه در راه آرمانهای سوسیالیستی بما الهام میبخشند. این نه سخنی کزاف و پرطمطراق، بلکه بیان واقعیاتی خلل ناپذیر است.

برنامه تازه حزب کمونیست اتحاد شوروی حاوی تجزیه و تحلیل ژرف وضع کنونی بین المللی است. این برنامه با تعمیم تجربه غنی مبارزه انقلابی نه فقط وظایفی را بمقیاس ملی مطرح میکند بلکه درونمای پیشرفت جامعه بشری بسوی اشکال عالی نظام اجتماعی - اقتصادی را هم نشان میدهد. بدون اغراق میتوان گفت این برنامه مانیفست قرن بیستم و سندی است نشان دهنده راه استحکام وحدت و یکپارچگی جنبش کمونیستی و کارگری جهانی، گسترش مبارزه بمقیاس جهانی علیه مشی ایالات متحده آمریکا بسرای برقراری سلطه برجهان و علیه خطرات بلیه هسته ای.

برنامه های تسریع پیشرفت اقتصادی و اجتماعی اتحاد جماهیر شوروی برای سالهای ۱۹۹۰ - ۱۹۸۶ و دوران تا سال ۲۰۰۰ در ما تأثیر فراوانی بخشید. این برنامه ها مردم شوروی را بکارهای بزرگ تازه فرامیخوانند و نیروهای خلاق را برای استفاده بهتر از برترتیهای نظام سوسیالیستی، تعمیم دست آورد های تازه انقلاب علمی - فنی و بالابردن سطح زندگی مادی و معنوی مردم بسیج میکنند. صحبت بر سر تغییرات کیفی در پیشرفت جامعه، تکمیل اقتصاد و سیستم دموکراسی و خودگردانی است. مردم شوروی واقعاً وارد مرحله تازه ای از تاریخ افتخارآمیز خود شده اند (۱).

حزب کمونیست اتحاد شوروی نقش اساسی و قاطع در تسریع پروسه های اجتماعی را از آن انسانها میداند. ترقی علمی - تکنیکی در سوسیالیسم بمعنی بالابردن ثمربخشی تولید و اعتلای سریع سطح رفاه و آسایش مردم و پیشرفت همه جانبه انسان است.

همه اینها چقدر با وضعی که در کشورهای سرمایه داری دیده میشود تفاوت دارد! بلهترین و طرفداران سرمایه داری قادر به مخفی کردن تضادها و بحران در مراکز عمده و یا نقاط دورافتاده امپریالیسم، پوسیدگی سیستم استثماری، تشدید بیسابقه فساد، جنایتکاری و اعتیاد بمواد مخدر و وضع فلاکتبار زحمتکشان نیستند.

در پاراگروه کشورهاییکه وابسته به امپریالیسم است، همانند اکثریت سایر کشورهای آمریکای لاتین غارت مردم از طرف شرکتهای ترانس ناسیونال و دیکتاتوری مانع پیشرفت نیروهای مولد است. غسده صرطانی وام خارجی به تشدید هرچه بیشتر بحران منجر میگردد. تا ۸۰ درصد درآمدی که از صادرات بدست میآید فقط بصرف پرداخت ربح وامها و هزینه استهلاک آنها میرسد. کیبودارز هم موجب

۱- بعقیده ما وظیفه فوق العاده بخرنج، ولی انجام یافتنی در دستور روز است؛ این وظیفه عیارتمست از د و برابر ساختن پتانسیل اقتصادی کشور طی ۱۵ سال آینده و ۲/۳ تا ۲/۵ برابر کردن بازدهی کار. آهنگ رشد درآمد ملی تا ۵ درصد در سال خواهد بود که امکان میدهد برنامه گسترده نوسازی - تکنیکی تولید را تحقق بخشیده و بودجه شایان توجهی به عرصه اجتماعی اختصاص داده شود.

گسترش سفته بازی و دلالی و بالا رفتن مداوم هزینه زندگی است. کافی است بگوئیم که درآمد ماهانه متوسط زحمتکشان (بین ۵۰ تا ۶۰ دلار) برای رفع نیازمندیهای لازم و حیاتی هم کفایت نمیکند - با این مبلغ نمیتوان حتی نیی از مواد خوراکی لازم برای یک خانواده را هم تهیه کرد. دهقانان بی زمین در شرایط طاقت فرسای فقر بسر می برند. جوانان بیکارند و هیچ امکانی برای تحصیل ندارند. در رژیم دیکتاتوری جوانان آینده ای ندارند.

در این زمینه نمونه کشورهای سوسیالیستی که در آنها حق کار و دستمزد عادلانه در برابر آن تأمین گردیده، اهالی با خدمات رایگان بهداشتی و امکانات تحصیلی مجانی تأمین گردیده اند و کرایه مسکن در سطح بی اندازه نازل است، برای طبقه کارگر، روشنفکران مرفقی و سایر قشرهای اهالی در تمام نقاط جهان دارای نیروی جاذبه فراوانی است. فقط همین واقعیت که وسائل تولید در اختیار مردم است و درآمدها بجنب طبقه کوچک صاحب امتیازی سرازیر نمیشود، گویای این است که راه واقعی برای خروج از بحران، رفع بیکاری، بی حقوقی اجتماعی و فقر چیست.

اسناد بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب ما را هم با دلائل و براهین وزین تازه ای برای افشای تبلیغات پر دامنه ضد شوروی مجهز میکند که دستگاه تبلیغاتی عظیم امپریالیسم و دستیاران محلی آن بمنظور اشاعه آن از صرف هزینه های گزاف در یخ نی و ورزش. این موهومات که اتحاد شوروی گویا کشور بردگانی است که زیر سلطه "هیرارشی تزارهای تازه ای" قرار دارند که شخصیت و شایستگی انسانها را بهیچ میگیرند، اینک حتی در نظر بسیاری از محافظه کاران هم بی معنی جلوه میکند. هیچ بردگان و یا تزارهایی قادر نبودند در کوتاه مدت کشور عقب مانده سابق را به عالیترین درجات دانش، تکنیک و فرهنگ برسانند.

جملیاتی درباره اینکه در اتحاد شوروی "سرمایه داری دولتی" وجود دارد، و همچنین افسانه هایی درباره "خطر شوروی" گدائی هم در نظر تعداد هرچه بیشتری از افراد در دنیای سرمایه داری پوچ و بی معنی جلوه میکند. غیر از دشمنان بلاواسطه سوسیالیسم، برتریهای سوسیالیسم موجود را فقط افراد کاملاً بی اطلاع و کوران سیاسی که چنانکه در اوروگوئه میگویند چشمانشان پشت سرشان است انکار میکنند.

بطور مثال، جریان تدارک و برگزاری مجمع کمونیست های شوروی را در نظر بگیریم. ابتدا بحث و بررسی گسترده و همه خلقی طرح های برنامه، اساسنامه و سایر اسناد حزب کمونیست اتحاد شوروی صورت گرفت. آیا این مظهر دموکراسی واقعی، اشتراک جمعی زحمتکشان در حل و فصل مسائل مهم حیاتی و تصمیم گیری درباره سرنوشت خودشان نیست؟

تجربه حزب لنین که در اسناد و مدارک بیست و هفتمین کنگره آن بازتاب یافته، به ما هم می آموزد

که چگونه بشیوهٔ نوی در محیط اندیشه و تفکر نو، اعتماد متقابل، همکاری و یکپارچگی کمونیستها فعالیت کنیم، چگونه نقش و مسئولیت سازمانهای حزبی را بالا ببریم.

م. س. گورباچف تأکید کرد که "نقش پیشتاز کمونیست ها بطور کلی وجود ندارد، این نقش در کارهای پراتیک بروز میکند" (۱). این سخنان برای ما بمنزلهٔ فراخوانی بانجام تجزیه و تحلیل جدی توأم با انتقاد از خود و نتیجه گیریهای عملی است که ما را در رفع موانع و اصلاح کمبودها و نواقص یاری رسانند. بعقیدهٔ ما نمونهٔ رهبری جمعی هم که ضامن فعالیت موفقیت آمیز حزبی است شرمش میباشد. عبارت دیگر صحبت برسر تعمیم پیگیر شیوه کار لنینی، استحکام ارتباط یا توده ها، تجزیه و تحلیل واقعیت عینی، آماده ساختن و گزینش و استقرار کادرها، استفاده از انتقاد و انتقاد از خود (این وسیلهٔ آزمون شدهٔ یافتن و اصلاح اشتباهات، نارسائیها و نواقص) در کار و فعالیت روزمره و مداوم است.

کمونیست های اتحاد شوروی نشان دادند که از تجزیه و تحلیل انتقادی و سازنده چگونه باید استفاده کرد. آنها پدیده های منفی را با شهامت و دلیری آشکار کردند و برای برطرف ساختن آنها به نیروی آشتی ناپذیر دست زدند. بسند نکردن به موفقیت هائیکه بدست آمد، کوشش در راه موفقیت های بیشتر و جلوگیری از اهمال در کار به نسبت افزایش حس مسئولیت بیشتر میشود. آنها پل—زوم اعتلای ابتکار خلاق تأکید می ورزند و با سستی و کم کاری و بی انضباطی سرسازگاری ندارند.

بدین ترتیب تسریع در امر پیشرفت اجتماعی — اقتصادی در شرایط سوسیالیسم تأمین میگردد. اما در شرایط کشور ما تمام این تدابیر باید به ساختمان حزب توده ای طراز نهی که رهبری مبارزهٔ طبقه کارگر و تمام مردم را برای نابودی رژیم فاشیستی و جستجوی راههای دگرگونی بنیادی انقلابی — دموکراتیک وضع کشور معده دارد، یاری رساند.

اسناد حزب کمونیست اتحاد شوروی ثمر خلاقیت تفویضی است که خود بر پایهٔ سنجش نتایج پراتیک روزانه و جمع بندی آنها حاصل شده است. بیانگر توجه مداوم حزب به بهبود زندگی مردم و کوشش برای نجات تمام جامعهٔ بشری از بلیهٔ هسته ای و نشانهٔ دموکراتیسم عمیق، صلحدوستی خلل ناپذیر و انساندوستی واقعی میباشد. بهمین سبب خود کنگره و اسناد آن حائز اهمیتی پایدار هستند و بازتاب پایرجا و مستمری در جهان بر می انگیزند.

این اندیشهٔ لنین را بخاطر آوریم که تصریح میکند انقلاب اکبر نخستین پیروزی امر نابسودی جنگ‌ها بود (۱) • یکی از نخستین اقدامات قانونگذاری آن به‌طوریکه میدانیم صدر فرمان صلح بود. از آن زمان به بعد حزب کمونیست اتحاد شوروی و بعد‌ها تمام احزاب برادر کشورهای جامعهٔ کشورهای سوسیالیستی سیاست خارجی خود را بطور پیگیر متوجه جلوگیری از خطر جنگ کرده‌اند • اینطور بود و خواهد بود • سوسیالیسم برای ما ضامن صلح و نگهبان امنیت خلقها است • ما در آن جامعه‌ای را می‌بینیم که اندیشه و عملش در جهت پشتیبانی از علاقهٔ خلقها به استقلال و ترقی اجتماعی است و تابع وظیفهٔ اصلی یعنی حفظ و تحکیم صلح میباشد • مهار کردن نیروهای تجاوزگر و میلیتاریسم بنام زندگی نسلهای کمونی و آینده‌ه‌عالتیرین و پرمسئولیت‌ترین وظیفه است • جهان بدون جنگ و بدون اسلحه آرمان سوسیالیسم میباشد •

با وجود قدرت تخریبی تسلیحات کمونی هرگونه کوششی برای حل اختلافهای سیاسی بین کشورها از راه جنگ برای جامعهٔ بشری یک خودکشی خواهد بود • کمونیست‌های شوروی و سایر احزاب برادره و تمام مردمان باحسن نیت با احساس مسئولیت بخاطر شکوفائی و امنیت کشور خود و نسبت به سرنوشت سیارهٔ ما و یاد رک خطری که سیاست ماجراجویانهٔ امپریالیسم و در درجهٔ اول امپریالیسم آمریکای شمالی در بر دارد، همگان را به رهنمایدن زمین از ناپودی هسته‌ای فرامیخوانند • آنها ابتکارهای سازنده‌ای بخرج میدهند که هدفشان قدغن کردن آزمایش و ناپود ساختن مرحلهٔ سلاح هسته‌ای و از بین بردن تسلیحات شیمیائی و غیره است • بنظر ما مخالفت با این کار دشوار است •

ولی امپریالیسم آمریکا عضدانه در تلاش برهم زدن توازن نظامی است و بیهوده میکوشد بر اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برتری استراتژیک بدست آورد، وضعی وخامت‌بار و خطرناک ایجاد میکند و جامعهٔ بشری را به لبهٔ پرتگاه ناپودی هسته‌ای میکشاند • امپریالیسم آمریکا در مقابل پیشنهاد پرهیز از میلیتاریزه کردن فضای کیهانی با برنامهٔ ماجراجویانهٔ "جنگ ستارگان" پاسخ داد و متحدین خود در ناتو را هم بدان جلب کرد • در نقطهٔ مقابل قطع یکجانبهٔ آزمایش‌های هسته‌ای از طرف اتحاد شوروی به انفجارهای نیوادا و در مقابل فراخوان محترم شمردن حق تعیین سرنوشت خلقها به تجاوز علیه لیبی، فروریختن بمب روی تریپولی و بن‌غازی، گسترش مدخلهٔ نظامی علیه نیکاراگوئه پشتیبانی از نژاد پرستان آفریقای جنوبی و مانند اینها دست زده است •

در سال بین المللی صلح که از طرف سازمان ملل متحد اعلام گردید، تضاد برخوردها از طرف

سوسیالیسم و امپریالیسم به مسائل مهم حیاتی جامعه بشری بروشنی بروز کرد . اصول لنینی هژمستی مسالمت آمیز کشورهاییکه دارای نظامهای اجتماعی گوناگون میباشند پایه و اساس مشی سیاست خارجی اتحاد شوروی را تشکیل میدهد . در این مشی ضرورت عینی حل مسائل با برخوردی سازنده و همچنین این اعتقاد که در جنگ هسته ای و همچنین در مسابقه تسلیحاتی غالبی نخواهد بود بیان گردیده است . یگانه راه خرد مندانه ایجاد سیستم شمرخشان امنیت همگانی و بازسازی مناسبات بین المللی برپایه اصولی عادلانه است .

کونیست های شوروی با تأکید بر خطر جنگ هسته ای در مجمع خود تناسب نیروها به مقیاس بین المللی را بطور بارزی تجزیه و تحلیل کردند و به این نتیجه رسیدند که خطری که جامعه بشری را تهدید میکند ، هیچوقت باین اندازه جدی نبوده است . ولی هیچوقت هم برای حفظ و استواری صلح تا این اندازه امکانات واقعی و ملموس وجود نداشته است . خلقها با مساعی مشترک میتوانند و بایست امپریالیسم را مهار کنند .

ما کونیست ها این کار را وظیفه مشترک خود میدانیم . کارل مارکس در قرن گذشته به این نتیجه رسید که فقط اتحاد انترناسیونال طبقه کارگر قادر است پیروزی نهائی آنها را تأمین کند (۱) . این اندیشه مارکس در هر مرحله تاریخی با مضمون کاملتری غنی گردید . اکبر کبیر پیروزی انترناسیونالیسم و درعین حال مرحله تازه ای در پیشرفت آن بود . برای نخستین بار در تاریخ حکومتی ایجاد گردید که در سیاست داخلی و خارجی اصول انترناسیونالیستی را رهنمود خود قرار میدهد .

در دوران ما مواضع کونیست های شوروی در مسائل همبستگی انترناسیونال بسیار مستحکم گردیده و به عامل مهم پیشرفت جنبش ضد امپریالیستی ، مبارزه در راه خلع سلاح و صلح و آزادی ملی و حق خلقها در تعیین سرنوشت خود ، دموکراسی و ترقی اجتماعی مبدل شده است . تاریخ بیش از نیم قرن مناسبات حزب کونیست پاراگوئه و حزب کونیست اتحاد شوروی هم خود تأکیدی براین است . ما میهن پرستان و انترناسیونالیست های پاراگوئه بخاطر همبستگی و پشتیبانی گسترده از مبارزه مردم پاراگوئه علیه دیکتاتوری فاشیستی عیقا^۲ سپاسگزار حزب لنین و تمام مردم شوروی هستیم . در ساره^۳ کمکهای برادرانه ، بی شائبه و شمرخشان از طرف اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی سخنان نیک فراوانی از جانب دوستان کوهائی ، ویتنامی و افغانی گفته شده است و ما آنها را در اینجا تکرار نمی کنیم .

محافل ارتجاعی و میلیتاریست که برای دفاع از منافع طبقاتی خویش بمقیاس بین المللی متحد

میگردند در عین حال با حق همبستگی بین المللی برای نیروهای مترقی مخالفت میکنند . تبلیغات امپریالیستی به انواع وسائل ماهیت و هدفهای این همبستگی را تحریف میکند . برای نمونه کسک انترناسیونالیستی اتحاد شوروی به افغانستان را که طبق خواهش دولت افغانستان بمنظور مقابله با تجاوز از خارج انجام می یابد در نظر بگیریم . این موضوع مانند گذشته در قاره ما ، در آمریکای لاتین هم بمقیاس وسیعی با شاخ و برگ فراوان انتشار داده میشود . در ضمن پشتیبانی عادلانه از مردم افغانستان را مبلغین بورژوازی " عملیات سرکوبگرانه " ، " مداخله " و " سرکوب آزادی " اعلام می کند .

ولی ، حقیقت بتدریج از میان خروارها دروغ فاحش راه خود را به ذهن و اندیشه مردم میگشاید . امپریالیسم و دست نشانندگان آن در اندیشه خفه کردن انقلاب در افغانستان و تبدیل آن کشور به قرارگاه موشکهای که بمسئلت اتحاد شوروی هدف گیری شده ، و همچنین تبدیل آن به پایگاهی برای تحریکات خود میباشند . ولی ، بطوریکه در یک ضرب المثل پاراگوئه ای گفته میشود گلوله این بار نه از سر لوله بلکه از طرف قنداق تفنگ خارج شده است .

مقاومت مردم افغانستان و پشتیبانی اتحاد شوروی از آن نیات شوم و محیلانه را عقیم ساختند . جنگ اعلام نشده دولت ریگان علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان فاقد آینده است . صد هایلیپسون دلاری که سیا در سال های گذشته برای واژگون ساختن دولت افغانستان بمصرف رسانده ، ذره ای هم وا شننگن را به هدف خود نزدیک نکرد ، است . موضع حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی در این عرصه ضامن استقلال و آزادی افغانها است .

واقعاً هم به حزب لنین میتوان اتکا کرد . این حزب نه فقط در راه برآورده ساختن هر چه بیشتر نیازمندیهای مردم شوروی کوشش میکند ، بلکه دوست صدیق و نیرومندی است که همواره آماده است از صلح ، حقوق و منافع زحمتکشان در هر نقطه ای از کره زمین دفاع کند .

جریان تاریخ را نمیتوان متوقف ساخت

اکبر کبیر امپریالیسم جهانی را بمبارزه ای فراخوانده است که در جریان آن امپریالیست ها متحمل خسارات روزافزون و جبران ناپذیری میشوند . بهمین سبب امپریالیسم کوشیده ، و می کوشد که شکست های اجتماعی خود را تلافی کند . خطر جنگ هم از امپریالیسم ناشی میشود . زیرا دعوی سلطه بر جهان دارد و قاره های تام و تمامی را منطقه " منافع حیاتی " خود اعلام میکند ، مناسبات نابرابری را به کشورهای دیگر تحمیل میکند از رژیم های غیر دموکراتیک و ضد خلقی پشتیبانی بعمل می آورد و در تلاش صدور ضد انقلاب است .

براین نکات ما به تجربه ویژه خود واقف شده ایم . کافی است بخاطر آوریم که در همین سالهای اخیر ۹۰ هزار نفر در آمریکای لاتین " مفقود الاثر " شده اند و معلوم نیست چند هزار نفر افسرد میهن پرست در پاراگوئه و شیلی بدست عمال سیا و مزدوران الیگارشی محلی و اشرار فاشیست بسمه هلاکت رسیده اند !

در کشور ما بیش از سی سال حاکمیت دارو دسته استرشنر در شرایط تشدید فراوان بحران جامعه به پایان خود نزدیک میشود . دیکتاتوری ناتوانی خود در حل و فصل مسائل اجتماعی - اقتصادی را با تصبیق و فشار و پیگرد " جبران میکند " . جنایتی نیست که استرشنر و دست نشانده گانش برآی حفظ رژیم پوسیده خود که در طول تاریخ پاراگوئه خونبارترین و مزدور و فاسدترین رژیم است ، بدان دست نزنند *

مخالف امپریالیستی ایالات متحده آمریکا در چهارچوب نظریات " نئوگلوبالیستی " (سلطه بر جهان) خود میکوشند کشور ما را بمنزله پایگاهی برای تجاوز و کانون اقدامات تحریک آمیز در مرکز آمریکای جنوبی حفظ کنند . بهمین سبب آنها میکوشند با برقراری دموکراسی سربازخانه ای و دغلاکارانه در عین حفظ حاکمیت و ثروتهای اساسی کشور دردست انحصارها و عمال داخلی آنها یعنی گروهی ژنرالهای خود فروخته و ثروتمندان پست و فرومایه رژیم دیکتاتوری را نجات دهند . ولی هیچ چیزی نمیتواند جریان تاریخ را متوقف سازد . خلق ما دیکتاتوری را سرنگون خواهد کرد و آزادی و استقلال خود را بدست خواهد آورد ، زیرا شرایط برای انقلاب دموکراتیک ، ضد امپریالیستی و اصلاحات ارضی بطور عینی فراهم شده است .

وحدت گسترده رمز پیروزی است . قدرت شعار " خلق متحد هیچوقت مغلوب نخواهد شد ! " را مردم پاراگوئه در کوچه های شهرها و در روستاها نشان میدهند . جنبش دهقانی پاراگوئه ، جنبش بین سندیکائی زحمتکشان ، جنبش دموکراتیک دانشجویان ، جنبه گسترده زنان ، جنبش آزاد بیخشن پاراگوئه ، پاراگوئه دموکراتیک و سایر سازمانها بدفاع از خواستههای اجتماعی - اقتصادی و دموکراتیک تظاهرات واحدی تشکیل میدهند . دیکتاتوری که روزبروز ضعیف تر میشود ، هرچه بیشتر به انزوا میگراید و دیگر قادر نیست جلوی توده ها را با تصبیق و فشار بگیرد . شعارهای : " ناپود باد دیکتاتوری ! " ، " یانکی ها از آمریکای مرکزی بیرون رو ! " ، " سوسیالیسم راه برون رفت است ! " که در میتینگی که در آسونمون برگزار شد بگوش میرسید دلیل رشد آگاهی سیاسی مردم است .

تظاهرات عظیم توده ای هرچه بیشتر شکل درگیری قاطعانه توده های مردم با رژیم را بخود میگیرد . در بخش الفونسو - لوما تظاهرات به زد و خورد مردم با پلیس منجر گردید که در جریان آن پلیس بارها مجبور به عقب نشینی شد . پی آمد پراکند ، ساختن میتینگی که رادیکال های واقمسی در

سان - خوزه دنوس - آرزویس تشکیل داد. بودند تظاهرات دلاورانه ای بود که علیه " پیراگوس " (عمال پلیس مخفی) و " ماچه تروس " (اسکادران مرگ) استرشنر برگزار شد .

تظاهرات چند هزار نفره در آسونسون گواه برای این است که خلق ما متحد و یکپارچه میگردد. نیروهای خود را بسیج میکند و مبارزه در راه سرنوینی دیکتاتور و ایچا دولت واقعاً دموکراتیک ادامه میدهد . روحیه عدم اطاعت و رزمجویی شهروندان استحکام می یابد و این پدیده است که امکان میدهد بر ترس و ستمگری غلبه کنند . برغم سلطه چندین ساله استبداد و ظلم و ستم باز این امید بدلها نشسته است که دست یافتن به دموکراسی امکان پذیر و نزدیک است .

ما اهالی پاراگوئه عزم راسخ داریم از چنگ استثمار و فقر رهایی یابیم . ما دموکراسی صوری و بی رمقی را که هدف آن استثمار سیاست کهنه ضد مردمی و ضد ملی باشد که مردم آنرا رد کرده اند ، لازم نداریم . گسترش مبارزه پر دامنه و همگانی علیه رژیم پوسیده دیکتاتوری است که به دموکراتیزه شدن واقعی جامعه و عدالت اجتماعی منجر میگردد ، نه مذاکره و دیالوگ با استرشنر و دارو دسته اش که میکوشند فعالیت های توده ها را سرکوب کنند .

ما برای نبرد های شدیدی آماده میشویم ، اتحاد و تشکل تمام دموکراتها و میهن پرستان را مستحکم می سازیم ، تحقق خواسته های اقتصادی و سیاسی خود را طلب میکنیم و به وارد ساختن ضربه به دیکتاتوری تا زمانی که آنرا واژگون ساخته و بطور کامل و برای همیشه سرکوب کنیم ادامه خواهیم داد .

محافل امپریالیستی ایالات متحده آمریکا ضمن ادامه پشتیبانی از استرشنر در عین حال از امکان تغییر او هم صحبت میکنند . بچه سبب آنها که در گذشته حاکمیت فاشیستی را بر پاراگوئه تحمیل کرده اند حالا از " گذار مسالمت آمیز به دموکراسی " سخن میگویند ؟ علت عمده تغییر سیاست واشنگتن این است که رژیم های تروریستی به سرکردگی " گوریل هائی " مانند سوموزا ، دووالیه و یا پینوشه دیگر قادر نیستند سلطه و درآمد انحصارهای آمریکای شمالی را دور از گزند حفظ کنند . دیکتاتوری های خونبار تضاد میان خلقها و طبقات حاکمه را تشدید میکنند ، بحران سیاسی و اقتصادی را که در نتیجه فساد محافل رسمی دسوار و پیچیده تر شده عمیق تر میسازند و برای مردم غیر از گرسنگی و یأس و نومیدی ره آوردی ندارند . تمام اینها امکان انفجارهای انقلابی را افزایش میدهد .

توده های مردم در پاراگوئه پیش چشم ما به چهره عمده فعال در جریان رویدادها مبدل میشوند . این امر موجب نگرانی امپریالیسم ایالات متحده و جیره خواران محلی او است . برخی از رهبران اپوزیسیون بورژوازی اظهار میدارند که برای جلوگیری از رادیکال شدن مبارزه مردم ، مبارزهای که بتدریج از کنترل طبقات حاکم خارج میشود ، باید سیاست را تغییر داد و افراد دیگری را برای شرکت در دولت در نظر گرفت . آنان بیم این را دارند که پیشرفت پروسه دموکراتیک و انقلابی به وضعی

منجر شود که بموقع خود در نیکاراگوئه پدید آمد و مردم رژیم سوموزا را واژگون کردند و بجای آن حاکمیت واقعاً دموکراتیکی برقرار ساختند . محافل بورژوازی کشور ما تغییرات نوع دیگری را ، نظیر آنچه را که واشنگتن مثلاً در هائیتی آزمایش کرده می‌پسندند . بطوریکه میدانیم ، واشنگتن در آنجا دست‌نشاندهٔ صدیق خود دووالیه را قربانی کرد تا ارادهٔ انقلابی مردم را تضعیف نمود و ساختار پیشین حاکمیت و امتیازهای خود را حفظ کند .

در ارتباط با سخنانی که دربارهٔ امکان " رفتن " استرشنر در پاراگوئه و پینوشه در شیلی برسر زبانها است ، تبلیغات بورژوازی در تلاش آنست که بمردم یقبولاند در آمریکای لاتین گویا هنوز د کشور با " حکومت مطلقه " وجود دارد که یکی کوبا و دیگری نیکاراگوئه است و باید آنها را " دموکراتیک " کرد . تصور نمیکنیم نیازی به اثبات این مطلب باشد که در این اظهارات جعلی همه چیز وارونه جلوه داده شده است . میدانیم که درست در کوبا بود که بیش از ربع قرن پیش از این مردم رژیم باتیستا دست پروردهٔ امپریالیسم آمریکا را سرنگون کردند و حاکمیت دموکراتیک زحمتکشان را برقرار نمودند . در واقع در نیکاراگوئه هم هفت سال و اندی پیش نیروهای دموکراتیک استبداد سوموزا را منکسوب کردند . نمونه و سرمشق انقلابهای کوبا و نیکاراگوئه هرچه بیشتر در خلقهای آمریکای لاتین تأثیر می‌بخشد و هیچ تبلیغاتی قادر به تضعیف این تأثیر نیست .

مبارزهٔ توده‌ها در کشور ما طرد رژیم توتالیتر و تحقق خواستههای اقتصادی و سیاسی آنها را نزدیک میکند . ما معتقدیم که پس از سقوط حاکمیت الیگارش طرفدار امپریالیسم ، تمام نیروهایی که علیه دیکتاتوری مبارزه میکنند میتوانند در دولت نو ، دموکراتیک شرکت کنند . این حاکمیت باید حاکمیت خلقی باشد که بتواند آزادی واقعی را برقرار ساخته و دگرگونی‌های بنیادی ارضی و ضد امپریالیستی را آغاز کند .

البته ، اگر زمام امور دولتی از دست استرشنر بدست قشرهای راستگرای اپوزیسیون بیفتد ، اگر چه پایه‌های دیکتاتوری متزلزل میشود ، ولی دموکراسی محدود خواهد بود . در چنین حالتی خلق ما تمام اقدامات لازم را برای گسترش رخنه در ارگان حاکمیت بعمل خواهد آورد و براه خود بسوی دگرگونی‌های بنیادی ادامه خواهد داد .

اکنون ما ضمن پشتیبانی از خواستههای سیاسی و اجتماعی - اقتصادی توده‌ها مبارزه در راه دفاع از میهن پرستانی را که در زندانها عذاب میکشند و یا " مفقودالاشرف " شده اند تشدید می‌کنیم و همبستگی خود را با نیکاراگوئهٔ قهرمان و خلقهای شیلی و سالوادور و تمام کسانی که از حق محرز خود برای آزاد زیستن دفاع میکنند ابراز میداریم . کمونیست‌های پاراگوئه با درک ارتباط متقابل ملی و انترناسیونال حفظ صلح در روی کرهٔ زمین و مهار کردن خطر هسته‌ای امپریالیستی را مهمترین

شرط ترقی اجتماعی میدانند . ما یقین داریم که پشتیبانی از ابتکارهای صلح اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی امکانات تازه ای برای کاهش وخامت و تشنج بین المللی ، استقلال واقعی ، دوستی و همکاری خلقها و رهائی زحمتکشان از استثمار و ستم فراهم میآورد .

بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی تکامل و پیشرفت اندیشه و عمل اکبر در شرایط کمونی است . این کنگره انترناسیونالیسم پیگیر کمونیست های اتحاد شوروی ، همبستگی آنان با احزاب کمونیست و انقلابی - دموکرات ، با طبقه کارگر جهان ، مبارزه ملی - آزاد بیخس خلقها و جنبش های دموکراتیک بطور کلی را نشان داد . اطمینان به پشتیبانی قاطع حزب بزرگ لنین و سایر نیروهای کمونیست و تمام مجامع مترقی بین المللی برای ما منفع جاویدان الهام و خوش بینی است .

پایه از صفحه ۴۱

تمام نیروهای اپوزیسیون را به اتکاء به فعالیت توده ها و اشتراك جدی آنها در تظاهرات اعتراض - آمیز علیه سیاست ضد خلقی رژیم فراموش خوانند .

در سند گفته شده است توفیق در متحد ساختن توده های مردم و بسیج آنها برای مبارزه گرد شعارهای مشخصی میسر است که پاسخگوی منافع آنها باشد . اینک برخی از این شعارها : "سلاحها شیمیائی تازه و سلاح هسته ای مستقر در ترکیه را جمع کنید ! " " با افزایش قیمت ها و کاهش نرخ پول ترکیه مخالفیم ! " " از واگذاری مؤسسات دولتی به انحصارهای داخلی و خارجی جلوگیری کنید ! " " از حقوق سندیکائی باید دفاع کرد ! " .

حزب کمونیست ترکیه از پیشنهاد احزاب دموکراتیک علنی دایر بر انجام انتخابات همگانی پیش از موعد پشتیبانی میکند . حزب کمونیست ترکیه آماده است در آینده هم برپایه برنامه واقع بینانه آلترناتیو با تمام نیروهای اپوزیسیون همکاری کند . این وحدت عمل نیروهای سیاسی به یکپارچگی توده های مردم یاری میرساند و به گسترش پیکار خلق در مؤسسات ، در کوچه ها و در سراسر کشور کمک میکند .

تضادهای موجود میان امپریالیست ها و طبقه کارگر

در اسنادی که يك سلسله از احزاب کمونیست و کارگری در این اواخر به تصویب رسانده اند تأکید میشود که تعمیق هرچه بیشتر تضاد های درونی اقتصادی و اجتماعی - سیاسی سیستم سرمایه داری از خصایص مرحله کنونی بحران عمومی سرمایه داری است. از جمله دهه های اخیر با تشدید تازه رقابت میان امپریالیستها متمایز میشود. در عین حال کوشش برای هم آهنگ ساختن سیاست امپریالیستی هم بچشم میخورد. سلسله مسائلی که باین موضوع مربوط میشود و همچنین نتایجی که از آن برای طبقه کارگر بدست میآید موضوع بحث و بررسی گروه پژوهشی کمیسیون مجله ویژه مسائل تئوریک بود. در کار این گروه این افراد نیز شرکت جمستند: ج. پیتمان عضو بروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا، گ. کویا تفسکی نماینده حزب کمونیست آلمان در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" و پروفیسور س. ونشیکف (اتحاد جماهیر شوروی).

ما مطالب تعمیم یافته ای را که از نتایج تبادل نظر بدست آمده
بچاپ میرسانیم.

× × ×

از زمانیکه امپریالیسم بوجود آمده تأثیر متقابل و گرایش آن یعنی تمایل به نزدیکی بمرکز و گریز از مرکز، یکی از عوامل عمده تعیین کننده وضع بین المللی است.

تمایل انحصارها و کشورهای امپریالیستی گوناگون به متحد شدن، به اتحادها و سازشها برپایه اشتراك منافع طبقاتی، علاقه به تقویت سلطه خود بر کشورها و خلقهای دیگر بمنظور مطیع ساختن و استثمار مشترك آنها و بدست آوردن ارزش اضافی همه حاکم از بروز گرایش و تمایل

نزدیکی بمرکز است. در نقطه مقابل آن هم گرایش گریز از مرکز یعنی رقابت مداوم میان همان انحصارها و کشورهای امپریالیستی و مبارزه بخاطر تقسیم و تقسیم مجد در عرصه های نفوذ و سودجویی قرار دارد.

در شرایط کنونی و هنگامیکه امپریالیسم جهانی خطر بلهیه هسته ای را بوجود آورد نیروها مترقی بهیچوجه نمی توانند نسبت به این موضوع بی تفاوت باشند که میان دو گرایشی که بدانها اشاره کردیم چگونه مناسباتی برقرار میگردد. تضاد های میان امپریالیستها در مجموعه کلسی تضاد های جهان معاصر مقام مهمی را دارا میباشند و سرنوشت صلح و بنابراین سرنوشت ترقی اجتماعی بمیزان قابل توجهی به سیر و کیفیت این تضادها بستگی دارد. بطوریکه ک. مارکس نوشت تجربه تاریخی " این وظیفه طبقه کارگر را بدان نشان داد که خود باید رموز سیاست بین المللی را فرا گیرد . . . و در این جهت تلاش کند که قوانین ساده اخلاقی و دادگری که افراد عادی در مناسبات متقابل خود باید رهنمود خویش قرار دهند به قوانین عالی مناسبات میان خلقها مبدل گردند. مبارزه در راه چنین سیاست خارجی بخشی از مبارزه کلی در راه آزادی طبقه کارگر را تشکیل میدهد" (۱).

دیالک تیک و گرایش

طبقه کارگر مبارزه در راه منافع خود فقط از دیدگاه شرایط آزادی اجتماعی در کشور خود برخوردار نمیکند، بلکه وضع واقعی آن کشور در سیستم کشورها و تناسب کلی نیروها در عرصه بین المللی را هم در نظر میگیرد. طبقات استثمارگر، معمولاً، به جستجوی پشتیبانی دروای مرزهای کشور خود می پردازند، میکوشند حاکمیت سیاسی خود را با اتکا به " اتحاد مقدس" با نیروهای ارتجاع بین المللی تثبیت کنند. بهمین سبب هم مبارزه زحمتکشان علیه طبقه استثمارگر کشور خود همواره خصلت بین المللی دارد.

بطوریکه تاریخ و از جمله تجربه نخستین انقلاب سوسیالیستی پیروزمند در روسیه نشان میدهد نتیجه پیکار آزاد بیخس طبقه کارگر بمیزان چشمگیری هم به همبستگی انترناسیونالیستی نیروهای انقلابی و هم به اندازه وحدت یا همکس تفرقه نسبی دشمن طبقاتی و تضاد های موجود در محیط آن بستگی دارد. در دوران ما خودفاکت وجود سوسیالیسم موجود و تناسب اصولاً تازه نیروهای طبقاتی در عرصه بین المللی برای مبارزه انقلابی و آزاد بیخس خلقها شرایط مساعدی

فراهم میآورد . ولی مسئله مربوط به تضاد های ارد و گاه امپریالیسم هنوز هم مبهم و مسئله روز است . رقابت کشورهای امپریالیستی نتیجه عملکرد قوانین عینی نظام سرمایه داری ، مقدم بر همه عملکرد قانون رشد ناموزون اقتصادی و سیاسی کشورها و مناطق جداگانه است . این واقعیتی است که ارتباطی به اراده و خواست طبقات یا نیروهای سیاسی معینی ندارد و طبقه کارگر و حزب آن هنگام تعیین استراتژی و تاکتیک خود نمیتوانند آنرا در نظر بگیرند .

و . ای . لنین نمونه درخشان برخورد دیالکتیکی در ارزیابی خصلت و پیآمدهای تضاد های بین امپریالیستها را بدست داد . او در شرایط جنگ جهانی اول که از لحاظ خصلت خود امپریالیستی بود ، شعار شکست دولت خود و تبدیل جنگ از امپریالیستی به جنگ داخلی را مطرح کرد و برای اعتلای جنبش انقلابی راههای استفاده از بحران سیاسی عمومی را که در نتیجه جنگ پدید آمده بود نشان داد .

در شرایط کنونی فرمول لنین بدین معنی است که وظیفه عمده طبقه کارگر عبارت از به شکست کشاندن سیاست امپریالیستی رویارویی و مسابقه تسلیحاتی است که خطر نابودی تمدن را دربردارد . حفظ صلح شرط کلی ضروری امکان موجودیت آزادی اجتماعی و ترقی است . در مبارزه در راه صلح طبقه کارگر بین طبقات و قشرهای اجتماعی دیگر و میان نیروهای آزادی اجتماعی متحدین طبیعی خواهد یافت . جنبش در راه صلح از لحاظ مضمون عینی خود علیه ارتجاعی ترین نیروهای معاصر است که برای حفظ حاکمیت و افزایش ثروت های خویش سرنوشت جامعه بشری را به مخاطره می اندازند . در جریان این مبارزه برای عقب راندن سرمایه انحصاری از مواضع آن و سپس پیشروی توده های مردم بمسوی سوسیالیسم میتواند شرایط مساعدی فراهم گردد .

نظریه " اولترا امپریالیسم " ک . کائوتسکی هنگام جنگ جهانی اول بوجود آمد و فرمول بندی شد . طبق آن وحدت انحصارها و کشورهای امپریالیستی در یک اتحاد بزرگ یا مافوق تر است تضاد های امپریالیستی را برطرف میکند و برای حفظ صلح در روی زمین شرایط فراهم میآورد . لنین این نظریه را رد میکند و نشان میدهد که کائوتسکی عمداً و آگاهانه گرایش نزدیکی بحرکز را بزرگ کرده و به تشدید تضاد های موجود میان امپریالیستها کم بها داده است . دهه های گذشته نشان دادند که " امپریالیسم جهانی " بوجود نخواهد آمد . تلاش در راه تملک انحصاری بازار فروش ، منابع مواد خام و عرصه های سرمایه گذاری مهمترین منشا توسعه طلبی و تجاوز امپریالیستی و میلیتاریسم و نواستعمار است .

لنین یادآور میشد که وحدت امپریالیسم های ملی در ائتلاف ها و اتحاد ها و هم آهنگی

سیاست آنها بهیچوجه تضاد های موجود میان کشورهای امپریالیستی را برطرف نمیکند ولی آنجا که این قبیل اتحاد ها بوجود میآید، قطعاً سلاح مبارزه مشترک امپریالیست های کشورهای مختلف علیه نیروهای آزادی اجتماعی و ملی مبدل میشود.

در دوران لنین شعار " ایالات متحده اروپا پیش کشیده میشد که مضمون آنرا وحدت و اتحاد امپریالیسم های اروپای غربی علیه طبقه کارگر خود بود تا " مشترکاً سوسیالیسم را در رنطفه خفه کنند " مستعمرات را مشترکاً استثمار نمایند و مواضع مشترک خود را در رقابت با امپریالیسم آمریکا و ژاپن تقویت کنند. پس از جنگ جهانی اول گرایش نیروهای امپریالیستی به وحدت علیه سوسیالیسم بالنده افزایش یافت، ولی تضاد های موجود میان امپریالیست ها که به جنگ جهانی دوم منجر گردید بر آن گرایش فوق یافت. گرایش به هم آهنگی اقدامات تمام کشورهای عمده امپریالیستی تحت حمایت امپریالیسم آمریکا فقط پس از جنگ جهانی دوم بوجود آمد و در سالهای اخیر بویژه شدت یافت.

بچه سبب؟ پاسخ آن در دیالک تیک پیشرفت در دوران معاصر است که از یکسویه تعمیق بحران عمومی سرمایه داری و حادث تر شدن تضاد های درونی آن می انجامد و از سوی دیگر به مانور کردن و سازگار شدن با وضع و شرایط تازه و امید دارد. هم آهنگی سیاست نیروهای امپریالیستی در جهت تلاش بمنظور متزلزل ساختن مواضع سوسیالیسم، ایجاد جبهه مشترک مبارزه علیه جنبش های انقلابی و آزاد بیخش و تلافی جوئی اجتماعی (سوسیال) بمقیاس جهانی است.

کنفرانس اخیر ۷ کشور عمده سرمایه داری در توکیو (مه سال ۱۹۸۶) تأیید کرد که لبه تیز سیاست هم آهنگ شده آنها علیه سوسیالیسم موجود، کشورهای " جهان سوم"، زحمتکشان کشورهای خودشان و علیه حق حاکمیت ملی نه فقط کشورهای در حال رشد، بلکه شرکای ایالات متحده آمریکا در ائتلاف امپریالیستی است.

ولی با وجود توافق در جهت کلی و حتی در وسائل عمده تلافی جوئی اجتماعی اختلاف عمیق منافع بنیادی کشورهای سرمایه داری ناگزیر بروز خواهد کرد. وقتی زیر پرچم هم آهنگ ساختن استراتژی جهانی سیاست آمریکا و همزبونی آمریکا تحمیل میگردد، گرایش نزدیکی بمرکز به ضد خود مبدل میشود، زیرا مقاومت شرکای ایالات متحده آمریکا را برمی انگیزد (اگرچه بدرجات مختلف) و بدین ترتیب است که عامل تازه تشدید تشنج بین المللی بوجود میآید.

"سه مرکز گرائی" و زیگزاکهای
استراتژی امپراطوری گونسه

موج نزدیکی مرکز هم بمقیاس جهانی و هم بمقیاس منطقه ای دارای جذر و مدهائی است. پس از جنگ جهانی دوم هم آهنگی سیاست امپریالیستی تحت حمایت ایالات متحده آمریکا در چهارچوب ناتو و سایر بلوک های نظامی، فوندارز بین المللی و مؤسسات انحصاری مختلط کشورهای انجام میگرفت. امپریالیسم آمریکا بمنظور زمین روح تازه در سرمایه داری اروپای غربی و در عین حال برقراری هژمونی خود در آنجا از "پلان مارشال" استفاده کرد. ولی بتدریج که نیروهای سایر کشورهای امپریالیستی که در نتیجه جنگ دستخوش تزلزل شده بودند از نو احیا میگردد سه مرکز مختلفی که رویاروی یکدیگر قرار گرفته و با هم رقابت میکردند یعنی ایالات متحده آمریکا، اروپای غربی و ژاپن بوجود آمد. اواسط سالهای ۷۰ چند عامل مهم واشنگتن را مجبور کردند در استراتژی خود تجدید نظر کنند.

۱- شکست امپریالیسم آمریکا در ویتنام شدیدترین ضربه را بر وضع جهانی آن بطور کلی وارد آورد و آثار از لحاظ اقتصادی و سیاسی در مقابل اروپای غربی و ژاپن تضعیف نمود. رقابت از جانب دو مرکز دیگر بمنافع بنیادی انحصارهای آمریکا لطمه زد. صادرات ایالات متحده آمریکا نسبت به مجموعه صادرات کالا های دنیای سرمایه داری بشدت کاهش یافت (در سال ۱۹۵۷-۲۱ درصد، در سال ۱۹۷۴-۱۶ درصد و در سال ۱۹۸۵-۱۲/۵ درصد). شرکت های اروپای غربی و سپس ژاپنی در بازار داخلی آمریکا مواضعی بدست آوردند. موقعیت دلار بمنزله ارز مسلط متزلزل گردید.

۲- نامساعد بودن دراز مدت شرایط اقتصادی در سالهای ۷۰ و تلفیق بحرانهای دوره ای و ساختاری شیوه های مختلف جنگ بازرگانی و از جمله اعطای امتیازهای حساس گرانسه و حمایت یکجانبه را تشدید کردند. هر طرف میکوشید و میکوشد از شدت بحران بحساب دیگری بکاهد.

۳- در شرایط آغاز کاهش تشنج بین المللی در آن سالها روابط اقتصادی و سیاسی میان کشورهای سرمایه داری صنعتی پیشرفته و سوسیالیستی بسرعت افزایش یافت. در سیاست کشورهای اروپای غربی و ژاپن نشانه های استقلال زیادی پدید آمد.

بالاخره، فروپاشی سیستم استعماری به مبارزه آزاد بیخسر خلقهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین نیروی تازه ای بخشید. گرایش آنها به وحدت بیشتر علیه نیروهای امپریالیسم و جنگ

نمایان گردید. در اواسط سالهای ۷۰ اختلاف کشورهای آزاد شده پدید آمد و آنها بطور دسته جمعی الغای سیستم نواستعماری را مطرح ساختند. آنها با پشتیبانی کشورهای لیستی موفق شدند در سازمان ملل متحد قرار را مبنی بر لزوم برقراری نظام اقتصادی بین المللی تازه به تصویب رسانند. جنبش عدم تعهد بتدریج به عامل بین المللی و زینی مبدل شد.

در این شرایط استراتژی "سه مرکز گرائی" یعنی همکاری سه مرکز امریالیستی بوجود آمد. از سال ۱۹۷۵ کنفرانس سران کشورها و دول هفت کشور عمده سرمایه داری بطور منظم فراخوانده میشود. از سال ۱۹۷۳ به بعد هم سیستم شور و مشورت های غیررسمی میان نمایندگان بیزینس کلان، احزاب سیاسی و مؤسسات ایدئولوژیک از طریق کمیسیون سه جانبه بکار خود ادامه میدهد (۱). بسیاری از شخصیت های عمده و دولتمردان نیمه دوم سالهای ۷۰ در کار این کمیسیون شرکت ورزیدند و این امر به توصیه های آن ارج و اعتبار ویژه ای بخشید (۲). استراتژی نو بر اصل برابری حقوق، البته بظاهر، برای کشورهای امریالیستی و ضرورت هم آهنگ ساختن منظم سیاست آنها مبتنی بود.

ولی با روی کار آمدن دولت ریگان دیگر آمریکا به اصول "سه مرکزگرائی" پایبند نیست. دولت آمریکا میکوشد مواضع حاکم و مسلط ایالات متحده آمریکا در جهان سرمایه را مجدداً برقرار نماید، انضباط اتحاد های نظامی، تبعیت بی قید و شرط از دستورات واشنگتن و پذیرش بی چون و چرای "جنگ صلیبی" ضد کمونیستی را احیا کند. این موضع منعکس کننده نفوذ مسلط عمال مستقیم مجتمع نظامی-صنعتی و نمایندگان انحصارهای ترانس ناسیونال سیطره جوی افراطی ایالات متحده در دولت ریگان است. بجای جلب رضایت متحدین در چهارچوب "سه مرکزگرائی" بیشتر از تحمیل اراده، شانناژ، تهدید یا بطوریکه روزنامه "وال استریت جورنال" نوشت تحریک بولد وگ استفاده میشود.

در آغاز بنظر میرسید که دیپلماسی "بولد وگی" نتایج لازم را بهار آورده است. ریگان موفق شد در نخستین پلان کنفرانس هفت کشور مسائل نظامی-سیاسی را مطرح سازد که برای

۱- درباره این کمیسیون رجوع کنید به مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" شماره ۵ سال ۱۹۷۸

صفحه ۸۰ - ۷۵

۲- ج. کارتر رئیس جمهوری آمریکا، ز. برزینسکی معاون او، ه. کمینجر وزیر امور خارجه، س. ونس، ه. اشمیت صدراعظم آلمان، ر. بار نخست وزیر فرانسه و وزرای خارجه ژاپن و بریتانیا یعنی س. اکتیا ولرد کارینگتون از جمله آنها هستند.

خودش سود مند بود . ابتدا متحدین مجبور بودند با استقرار موشک های آمریکا در اروپای غربی بدون آنکه ایالات متحده قرارداد سالت - ۲ را به تصویب رساند موافقت کنند (برغم آنچه در سال ۱۹۷۹ در چهارچوب ناتو به توافق رسیده بود) . سپس واشنگتن توانست موافقت یک سلسله از کشورهای اروپای غربی و همچنین ژاپن را برای شرکت در برنامه " جنگ ستارگان " جلب کند . در ضمن آنها از پشتیبانی مرتجع ترین محافظی بهره برداری میکردند ، (مثلاً در جمهوری فدرال آلمان) که تمایلات مشخص تلافی جویانه خود را با مسابقه تسلیحاتی بهم پیوند میدهند .

ولی از پاییز سال ۱۹۸۵ و بویژه در سال ۱۹۸۶ در سخنان ریگان و اطرافیانش باز کلمه " هم آهنگی " پدیدار شد . بنا بر نوشته " کریسچن ساینس مونیتور " ایالات متحده آمریکا به " رهبری جمعی " بیشتری زوی آورد . لحن کلام سران دولت آمریکا خطاب به متحدین با خود داری بیشتر و تحکم و تندى کمتری همراه شد .

در پس جو ظاهری " جمع گرایی " کوشش برای تصحیح تاکتیک پنهان است و آنها هم در شرایطی که مسائل قدیمی همیشه نتایج مطلوب را بدست نمیدهند . اختلاف نظر و تضاد درون ناتو هم افزایش یافته است . بطور مثال ، در تزه های هشتمین کنگره حزب کمونیست آلمان قیام شده است که امپریالیسم جمهوری فدرال آلمان متحد عمدتاً امپریالیسم آمریکا در مبارزه علیه نیروهای سوسیالیستی و مترقی است ولی در ضمن هدفهایی را دنبال میکند که اغلب با منافع متحد آنسوی اقیانوس منافیرت دارد . در محافل حاکمه بین میان سمگتگیری " اتلاننتیکی " که بی قیود و شرط از موضع واشنگتن در مسائل نظامی - سیاسی پشتیبانی میکند و فراکسیون " اروپائی " که با بی اعتنائی به منافع پراهمیت جمهوری فدرال آلمان و اروپای غربی بطور کلی مخالفت میکند اختلاف نظرهای جدی وجود دارد (۱) .

اقدامات مختلف توده های مردم از عوامل مهمی است که مانع سیاست تجاوزکارانه ایالات متحده نمیکرد . امپریالیسم آمریکا در جریان پیروی از مشی تشدید مسابقه تسلیحاتی آنقدر که از طرف جنبش های اجتماعی در کشورهای سرمایه داری و نواستقلال با دشواریهای معین روبرو شد از طرف دولت های کشورهای سرمایه داری نشد . مقاومت در برابر این مشی ، بویژه در اروپای غربی و در کشورهای غیرمتعهد رو به افزایش است . پشتیبانی گسترده نیروهای بسیار

1- Thesen des 8. Parteitag der DKP. Neue Fragen des Kampfen für Frieden und Arbeit - für eine demokratische Wende. 1986, S. 30

متنوع سیاسی از ابتکارهای صلحد و ستانه تازه اتحاد شوروی، فراخوانهای پیگیر و مضارنه ای که عملاً از تمام نقاط کره زمین میرسد و طی آنها از ایالات متحده آمریکا خواسته میشود به آزمایشها هسته ای پایان دهد و همچنین اعتراضهای متعدد به دولت آمریکا بعلت امتناع آن از مراعات قرارداد سال ۲ همه برای گواهی میدهد. ایالات متحده آمریکا ناگزیر است واقعیت امکان به حاکمیت رسیدن دولتهائی در یک سلسله از کشورهای اروپای غربی را بحساب آورد که ضمن باقی ماندن در ناتو در مسائل خلع سلاح و کاهش تشنج به خط کشورهای سوسیالیستی و غیر-متعهد نزدیک تر از مشی ایالات متحده آمریکا باشند.

واشنگتن بمنظور خنثی کردن و یا بهتر بگوئیم در هم شکستن چنین اپوزیسیون در سایر کشورها نه فقط به پشتیبانی دولت های کنونی آن کشورها، بلکه به هم آهنگی جدی و دقیق اقدامات سیاسی، تبلیغاتی و انواع اقدامات دیگر نیازمند است.

بدتر شدن وضع اقتصادی هم در شیوه "جمع گرایی" نقش مهمی دارد. ایالات متحده آمریکا مدت طولانی به سخنانی که دعوت به امتناع از بالا نگهداشتن نرخ بهره و کورس دلار میکرد توجهی نداشت. سرانجام سرازیر شدن سیل سرمایه از اروپای غربی به اقتصاد آن ضرر میزد، مانع سرمایه گذاری در رشته ترقی تکنیکی میشد ولی در عوض به رونق موقتی اقتصاد ایالات متحده و حمایت از مسابقه تسلیحاتی کمک میکرد.

این سیاست بتدریج برای بیزینس کلان ایالات متحده آمریکا زیان هائی بیار آورد. چند سال بالا نگهداشتن مصنوعی کورس دلار به قدرت رقابت کالا های آمریکا ضربه شدیدی وارد آورد و موجب افزایش فاجعه آمیز کسری موازنه پرداخت ها و بازرگانی گردید. کالا های وارداتی بازار داخلی را اشباع کردند، تولید کاهش یافت و به تعداد بیکاران افزوده شد. از آغاز سال ۱۹۸۶ در اقتصاد کشورهای عمده سرمایه داری و در درجه اول در اقتصاد ایالات متحده و ژاپن عوارض بحران دوره ای تازه بحشم میخورد.

در چنین شرایطی واشنگتن با یک چرخش ۱۸۰ درجه مشی کاهش شدید ارزش دلار را اتخاذ کرد. انجام این کار بدون پشتیبانی سایر کشورهای عمده دنیای سرمایه داری و مقدم بر همه ژاپن و جمهوری فدرال آلمان غیرممکن بود. فراخوانهای ایالات متحده آمریکا به "تشریک مساعی" برای حفظ وضع موجود اقتصادی و در ضمن تشدید تازه جنگ بازرگانی - اقتصادی و ارزی در دنیای سرمایه داری هم از همینجا سرچشمه میگیرد.

مانورهای تاکتیکی دولت ریگان برای استتار عدم تغییر در استراتژی سیطره جوانانه و امپراطوری گونه واشنگتن، مشی گسترش مواضع بین المللی خود و افزایش منافع انحصارهای ایالات

متحد است. گرایش "هم آهنگی" با سایر کشورهای امپریالیستی فقط این اندیشهٔ لنین را تأیید میکند که "سرمایه داران دنیا را نه از روی خشم و بد خلقی ویژهٔ خود، بلکه باین سبب تقسیم میکنند که میزان تمرکز که بدان دست یافته اند برای کسب منفعت آنها را وادار به گزینش این راه میکند؛ در ضمن آنها دنیا را "به نسبت سرمایه" و "به نسبت قدرت" خود تقسیم میکنند - در سیستم تولید کالا و سرمایه داری شیوهٔ تقسیم دیگری نمیتواند وجود داشته باشد" (۱).

استراتژی امپریالیستی گونه واشنگتن ضمن تأمین درآمد کلانی برای انحصارها زیان هنگفتی به طبقهٔ کارگر ایالات متحده وارد میآورد. توسعه طلبی شرکت های ترانس ناسیونال و بانک ها، ایجاد مؤسسات فراوان و زیرنفوذ خود در آوردن بسیاری از مؤسسات سایر کشورها به "صدور اشتغال"، از دست رفتن صدها هزار محل کار، افزایش بیکاری و تعمیق بحران ساختاری می آنجا و موجب تجاوز انحصارها به مواضع و حقوق زحمتکشان میگردد. این توسعه طلبی که باز ویند امپریالیسم علیه خلقهای "جهان سوم" همراه بوده افزایش فاجعه آمیز بد حکاری کشورهای در حال رشد و به بحران بد حکاری انجامید که از رونق و گسترش بازرگانی بین المللی و تولید جلوگیری میکند و طبقه کارگر را شدیداً تحت فشار قرار میدهد. در غلبازی با دلار که هدفش تهیهٔ اعتبار برای هزینه های نظامی بود ایالات متحده را به لبهٔ پرتگاه ورشکستگی اقتصادی کشاند و موجب بحران صادراتی - وارداتی بیسابقه ای گردید.

واشنگتن از این بحرانها برای گسترش دامنهٔ تبلیغات شوونیستی و دادن امتیازهای حسابگرانه و تلقین به طبقهٔ کارگر که بهترین وسیلهٔ بهبود اوضاع گویا "اتحاد" با شرکت های خودی در مبارزه علیه رقبای خارجی است بهره برداری میکند. ولی واقعیات گواه بر این است که بیش از نیمی از واردات ایالات متحده را کالاهائی تشکیل میدهد که کمپانی های ترانس ناسیونال آمریکا یا مستقیماً و یا با ساخت و پاخت با انحصارهای ژاپنی و غیره وارد میکنند.

در این شرایط کمونیست های ایالات متحده وظیفهٔ مبرم خود را افشاء و توضیح ماهیت طبقاتی سیاست خارجی اقتصادی دولت ریگان و نشان دادن این واقعیت میدانند که این سیاست فقط و فقط بسود انحصارهای ترانس ناسیونال و مجتمع نظامی - صنعتی است و قربانی اصلی آن زحمتکشان هستند. بطوریکه گ. هال دبیرکل حزب کمونیست ایالات متحده یاد آورد شد جنبش کارگری در تمام کشورهای سرمایه داری "باید حتی اندیشهٔ وحدت یا همکاری با انحصارها کشور خود را رد کند... طبقه کارگر و جنبش سندیکائی کشور ما در امر یافتن راه حل هائیس بسود طبقهٔ کارگر تمام کشورهای سرمایه داری و کمک برای سازمان دادن مقابله با این یورش

تازه علیه طبقه کارگر دارای مسئولیت ویژه ای هستند" (۱) .

در برنامه عمل مصوب بیست و سومین کنگره ملی حزب کمونیست ایالات متحده — سورش کارگران به مواضع شرکت های ترانس ناسیونال و بانکها پیش بینی شده است. در این برنامه خواسته شده است واردات از کشورهای که در آنها اتحادیه های کارگری و صنفی از فعالیت علنی محروم هستند قدغن گردد، میزان مالیات برافزافه درآمد انحصارها از سرمایه گذاری در خارج از کشور افزایش یابد و از وسایل بدست آمده برای ایجاد میلیونها محل کار تازه استفاده شود. برنامه همچنین به وحدت عمل انترناسیونال با طبقه کارگر سایر کشورها فرامی خواند.

علت این گذشته چیست؟

تاکتیک جدید امپریالیسم آمریکا ثمرات معینی برای آن دربر دارد. دولت های کشورهای اروپای غربی و ژاپن مانند گذشته با مناسبات یکطرفه ای که زیاد هم با حقوق برابر نیست با "ارباب" آنسوی اقیانوس میسازند. علت این عدم قاطعیت و نرمش چیست؟

مقدم بر هر چیز وابستگی نظامی و سیاسی و واحدی هم وابستگی اقتصادی برخی از کشورهای ایالات متحده آمریکا بحال خود باقی است. بطور مثال در برنامه حزب کمونیست ژاپن قید شده است: با آنکه ژاپن کشور سرمایه داری بسیار پیشرفته است، عملاً کشوری وابسته و نیمه اشغال شده از طرف امپریالیسم آمریکا میباشد.

تقریباً در همه جا در دنیای سرمایه داری گروهها و فراکسیونهای طبقه حاکمه وجود دارند که تلافی جویی (روانش) اجتماعی بمفهوم وسیع کلمه یکی از انگیزه های تعیین کننده سیاست آنها است. بطور مثال در جمهوری فدرال آلمان روانش محافظه کارانه فراکسیون "کلاه خود پولادین" (۲) در ارتباط با طبقه کارگر خودی با نقشه های تلافی جویانه نسبت به کشورهای اروپای شرقی (که برای امپریالیسم و نئوفاشیسم آلمان دارای سنت طولانی است) تکمیل میگردد. ولی حتی در کشورهایی هم که دعای ارضی مستقیم در مورد همسایگان ندارند، محافل طرفدار آمریکا که بطور مستمر مردم را با دروغ درباره "خطر شوروی و کمونیسم" میترسانند باندازه کافی نیرومند هستند. مبتکرین این تبلیغات پر دامنه خود به این موهومات و افسانه ها باور ندارند، ولی با کمال علاقه از آنها بمنزله وسیله تحکیم مواضع و حاکمیت سیاسی خویش استفاده میکنند.

1- Gus Hall. The Working Class and the Import-Export Crisis.

"Political Affairs", August 1985, p.5/6.

۲- ارتجاعی ترین بخش ائتلاف حاکم در بن را در جمهوری فدرال آلمان چنین می نامند.

ترانس ناسیونالیزاسیون روزافزون سرمایه انحصاری پایه و اساس اقتصادی سنگبری در سیاست بسود آمریکا است. اگرچه رقابت میان شرکت های ترانس ناسیونال مستقر در کشورهای گوناگون بسیار حادث گردیده، گرایش روزافزون به روی هم ریختن سرمایه هایشان و ساخت و پاخت بمنظور تقسیم مناطق نفوذ هم چشم می خورد. نه فقط انحصارها و بانک های که مراکز تصمیم گیری آنها در ایالات متحده است. بخش هر چه بیشتری از اقتصاد اروپای غربی را بدخواه و زیر نظر خود اداره میکنند، بلکه تعداد قابل توجهی از انحصارهای اروپای غربی و ژاپن در آنجا مؤسسات و شرکت های گوناگون را می خردند و برای تولید مشترک با انحصارهای آمریکائی زد و بند میکنند. ما ناظر گرایش اختلاط و بهم پیوستن سرمایه مالی مراکز عمده امپریالیستی هستیم. آلیانس کشورها بمنزله تکیه گاه سیاسی بمنظور تقسیم مجدد بازارها برای انحصارها ضرور است.

بهم پیوستگی مجتمع های نظامی - صنعتی هم طی سالهای اخیر در عین تشدید رقابت بر سر بازار فروش تسلیحات و عرصه تکنولوژی نظامی تازه استوارتر گردیده است. فروش یکی از فیرم های پراهمیت بریتانیای کبیر (بوساطت دولت تاجر) به یکی از کنسرن های آمریکا، روابط نزدیک کنسرن فلیکا با کنسرن ها و بانک های ایالات متحده آمریکا فقط برخی نمونه های معلوم این گرایش است. بزرگترین تولید کننده تانک نه فقط در جمهوری فدرال آلمان بلکه در اروپای غربی هم در آن کنسرن شرکت دارد و تانکهای "کراوس - مافی" را میسازد. بسیاری از شرکتها بزرگ اروپای غربی و ژاپن مستقیماً به مجتمع نظامی - صنعتی آمریکا می پیوندند. بطور مثال در جمهوری فدرال آلمان کنسرن های "سراشعیت - پلگف - بلوم" و "کارل زایس" و همچنین فیرم "دورنیه" که شریک کنسرن "دایپلر - بنتس" است و مؤسسات دیگر سفارش های پنتاگون ویژه برنامه ابتکار استراتژیک دفاعی را قبول کردند.

واشنگتن از مخالفت های درونی بین رقبای خود و از رقابت آنها بویژه در جامعه اقتصاد ایروپا (میان اروپای غربی و ژاپن) برای تحکیم هژمونی خود ماهرانه استفاده میکند. با وجود تضعیف نسبی مواضع ایالات متحده در بزرگانی بین المللی و مجموعه تولید نیای سرمایه داری، آمریکا هنوز قابل توجه ترین نیرو بین کشورهای امپریالیستی است. بازار آمریکا برای فیرم های ژاپن و اروپای غربی بزرگترین و جالب ترین بازار است. سیستم ذخیره فدرال ایالات متحده آمریکا برای بالا و پائین بردن نرخ برابری دلار دارای امکان بی نظیری است و بکمک آن فشار خود را بر کشورهای دیگر تشدید میکند.

تمام اینها برای امپریالیسم آمریکا "موضع قدرتی" بوجود می آورد که برای واداشتن متحکن

به اطاعت مورد استفاده قرار میگیرد. خطر جنگ آشکار بازرگانی و ارزی که ریگان ماهرانه با آن مانور میکند موجب میشود که مراکز رقابت کنند، هر قدر هم که نیرومند باشند، تسلیم فشار واشنگتن گردیده گذشت و نرمشی نشان دهند که اغلب حتی بزیان منافع خودشان است.

هژمونیم ایالات متحده آمریکا و حق حاکمیت ملی

مشى ميليتارېستى و رويارويى ايالات متحده مورد پشتيبانى محافل آن متحدينى است که با مجتمع نظامى - صنعتى و گروه بندگان ارتجاعى و روانشيمت گوناگون ارتباط نزديک دارند. ولى بخش قابل توجهى از بورژوازى از چنين مشى از لحاظ اقتصادى نه فقط سودى نعى برسد، بلکه زيان مى بيند. بسيارى از شرکت هاى بزرگ مخالف مشى مجتمع نظامى - صنعتى ميباشند. اين اختلاف وجداعى هم در سطح کشورهاى جداگانه سرمايه دارى و هم بمقياس بين المللى تعميق مى يابد. بحث و مشاجره گسترده در اروپاى غربى و از جمله در جمهورى فدرال آلمان در اطراف شرکت يا عدم شرکت در برنامه "جنگ ستارگان" نشان داد که بطور مثال، سفارشات نظامى فقط اقليتى از سرمايه داران و معامله گران را ثروتمند مى کند و وسيله اى است براى تقسيم مجدد درآمدها بسود بخش کوچکى از شرکت هاى که در مؤسسات نظامى و ناتو فعاليت مى کنند.

واقميت موجود براى اکثريت عظيمى از فيرم هاى اروپاى غربى نه افزايش درآمد در اثر اتحاد با انحصارهاى آمريكائى و پتتاگون، بلکه زيانى است که در نتيجه تشديد جنگ بازرگانى از جانب ايالات متحده آمريكا بدانها وارد ميايد. در اين مبارزه منافع فيرم ها، سرمايه داران و فرمرها با هم برخورد مى کند. در دنياى سرمايه اختلافات در مبارزه ناشى از رقابت و بكمك زور حل و فصل ميشود. راه حل هاى سيطره جويانه اى که از خارج از جانب شرکات امپرياليست نيرومند به شرکات ضعيف تر تحميل مى گرد باعث فلاکت و تيره روزى صدها هزار و ميليونها تن ميشوند.

فيرم هاى اروپاى غربى از طرف دولت هاى خود و دولت آمريكا تحت فشار روزافزونى قرار دارند و از آنها خواسته ميشود عرضۀ فرآورده هاى خود به کشورهای سوسياليستى را کاهش دهند. بهانه معمولى آنها اين است که بايد از دادن تکنولوژى نو و مدرن "بدشمن" مانعت بعمل آيد. ولى در پس اين بهانه در واقع تمايل آمريكا به تحميل نقش تابع به رقبای خود قرار دارد. اين راه و روش در طبقات حاکم هم نارضايتى ايجاد مى کند.

پس از ديدار هفت کشور عمده سرمايه دارى در ماه مه سال ۱۹۸۶ دولت ريگان مىکوشد بلاواسطه در سياست اقتصادى داخلى متحدين خود هم مداخله کند. در توافقى که در توکیو

بعمل آمده اصلاح مرتب و منظم سیاست کشورهای پیش‌بینی شده است که با سایرین " همگام نیستند ". توافق دولت ناکازونه با این خواست ایالات متحده که کمتر صادر کند و بیشتر مصرف نماید گویای این واقعیت است که این اصلاح سیاست عملاً به چه معنی است.

در اروپای غربی برخورد به تصمیمات توکیو با شك و تردید بیشتری همراه است. وزیر - دارائی جمهوری فدرال آلمان اعلام داشت که او به قابل اجرا بودن این تصمیمات مشکوک است زیرا سیاست اقتصادی نه در دیدارهای بین‌المللی، بلکه در پارلمان و دولت کشور خودش فرمول بندی میشود. جمهوری فدرال آلمان خواست آمریکا را دیر براینکه آن کشور نقش " لوکوموتیوی " را بعهده بگیرد که اقتصاد جهان سرمایه داری را جلو بکشد، نپذیرفت. خطر توری که ریگان میخواست بدوش سایرین افکند بسیار بزرگ است.

هم‌زاین و هم کشورهای اروپای غربی از اینکه رأی آنها در حل و فصل مسائل مهم بین‌المللی بهیچوجه با پتانسیل اقتصادی نیرومندان تناسب ندارد هرچه بیشتر اظهار نارضایتی میکنند. مشی که از واشنگتن دیکته میشود مانع حل مثبت مسائل جهانی و منطقه‌ای است و از دست یافتن به سیستم پایدار امنیت بین‌المللی جلوگیری میکند و با منافع خصوصی همدفعا^ی این کشورها در تضاد است.

در محافل هشیارتر بورژوازی درك تازه‌ای از منافع طبقاتی پدید میآید که با توجه بدان برای حفظ فیزیکی نظام سرمایه داری و طبقه خود و بنابراین تمدن موجود بشری اولویت قائل میشوند. همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری با کشورهای سوسیالیسم در قرن هجدهم ای‌یگانه - آلترناتیو خردمندانه است. پذیرش این واقعیت به نفعی آمریکا که مضمون آنرا رویارویی، تشدید وخامت و حفظ توازن در لبه درگیریهای نظامی است، منجر میگردد.

دراستراتژی برای طبقه کارگر

" استراتژی دسته جمعی " امپریالیسم دارای خطرات معینی برای طبقه کارگر و جنبش آزاد بیخش است. فعالیت در جهت تشدید مسابقه تسلیماتی، تروریسم دولتی، تلاش‌هایی که برای متفرق و پراکنده ساختن اجزاء مختلف جنبش کمونیستی و کارگری و در نقطه مقابل یکدیگر قرار دادن آنها بعمل میآید، کوشش در راه متزلزل ساختن جنبش‌های توده‌ای ضد جنگ و صلح‌دوست و برانگیختن زحمتکشان برخی از کشورها علیه کشورهای دیگر همه خطرات بزرگی در بردارند.

البته، این بهیچوجه سیاست تازه‌ای نیست. امپریالیسم همیشه از اصل " تفرقه اندازو

حکومت کن" استفاده کرده است. آنچه تازگی دارد این است که مشی برهم زدن وحدت و متفرق ساختن نیروهای مترقی اینک به خط مشی مبدل میشود که آگاهانه تحقق می یابد و از طرف گردانندگان کشورهای امپریالیستی برهبری ایالات متحده آمریکا بدقت تهیه و تنظیم گردیده و بمقیاس بین المللی هم آهنگ میگردد.

وسیله مؤثر مبارزه با این استراتژی همبستگی انترناسیونال واحد های طبقه کارگر بین المللی است که از لحاظ ویژگی ملی گوناگون می باشد ولی هدفهای مشترک غائی آنها را متحد کرده است. حداکثر ممکن هم آهنگی اقدامات کسانی که منافع بنیادیشان در نقطه مقابل منافع امپریالیسم قرار دارد در مرحله کنونی بویژه مهم است.

انقلاب علمی - تکنیکی تمرکز تولید و تشدید ترانس ناسیونالیزاسیون سرمایه را تسریع کرد. این پدیده یک سلسله مسائل تازه بفرنج در برابر طبقه کارگر مطرح ساخت. در ضمن تشدید انترناسیونالیزاسیون تولید اساس مادی تازه ای هم برای همبستگی بین المللی زحمتکشان در مبارزه در راه ایجاد سیستم امنیت بین المللی، زیر فشار قراردادن انحصارهای ترانس ناسیونال، بوجو آوردن نظم اقتصادی بین المللی تازه و شکست ارتجاع و مجتمع های نظامی - صنعتی فراهم میآورد. از جمله، همکاری نزدیک میان خلقهای کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای در حال رشد نیازمند اشکال پرتحرک همبستگی بین المللی در سطح عالی تری است.

تشدید تمایل به گرایش به مراکز امپریالیسم وحدت عمل بیشتر طبقه کارگر درون کشورهای جداگانه سرمایه داری را الزام میکند. فشار انحصارها بر مواضع و حقوق زحمتکشان فقط بخشی از یورش کلی نیروهای امپریالیسم و ارتجاع علیه صلح و دموکراسی است. نقش برجسته ویژه و مسئولیت طبقه کارگر بمنزله مدافع صلح و آزادیهای دموکراتیک تمام مردم هم از اینجا ناشی میشود.

کم بهادان به اتحاد و یکپارچگی دشمن طبقاتی نیروهای انقلابی را با بن بست مواجه میسازد و هشیاری آنها را کاهش میدهد. البته، در عین حال نباید در ارزیابی درجه وحدت منافع امپریالیسم هم زیاد مبالغه کرد. زیرا در پس ظواهر "استراتژی دسته جمعی" رقابت آشتی ناپذیری پنهان است. درگیری و اختلاف و تضاد درون طبقه حاکم بطور عینی موجود است، از آنها همواره بمنزله ذخیره جنبش انقلابی در مبارزه در راه صلح، علیه سلاح هسته ای و در مبارزه برای آزادی سیاسی و اجتماعی بهره برداری شده و خواهد شد.

امپریالیسم آمریکا نسبت به سایر کشورهای عمده سرمایه داری نه فقط در نقش یک رقیب بلکه بمنزله نیروی سیطره جوئی هم عمل میکند که بطور عینی میکوشد دایره استقلال و حق حاکمیت ملی آنها را هرچه تنگتر کند. منافع بخش معینی از بورژوازی این کشورها (از جمله بورژوازی -

انحصاری) و امپریالیسم آمریکا نه فقط یکی نیستند، بلکه اغلب با یکدیگر متضاد میباشند. کار رقابت آنها هم فقط در مبارزه برای بدست آوردن بازار فروش و عرصه سرمایه گذاری خلاصه نمیشود. آنتاگونیسم کنونی میان امپریالیسم آمریکا و سایرین از لحاظ مضمون خود بسیار عمیق تر است. این تضاد آشتی ناپذیر عدم تمایل تبدیل سرزمین های کشورهای خود به عرصه مبارزه بخاطر تملیقات ماجراجویانه امپریالیسم آمریکا و درگیری برسر استقلال ملی را هم که از طرف آمریکا نقض میگردد در بر میگیرد.

بخش مهمینی از محافل حاکم کشورهای اروپای غربی میکوشند سیاست مستقل خارجی در پیش گیرند که مفایر مقاصد تجار و کارخانه و اشنگتن است. آنها در اندیشه پیروی از سیاستی هستند که مخالف مشی رویاروئی است و کاهش تشنج بین المللی را در پی دارد. در این جریان هم منافع اقتصادی بنیادی، هم سمتگیری در جهت تاکتیک "نیروی سوم"، "حفظ توازن میان دو قطب"، و در برخی از کشورها گرایش پنهان به بیطرفی سیاسی مؤثر است. در ضمن محافل حاکمه مجبورند اعتدالی جنبش دموکراتیک توده ای در راه صلح، علیه سلاح هسته ای و خلع سلاح را بحساب آورند. هر قدر مقاومت مردم در مقابل نیروهای جنگ افروز شدید تر است، همانقدر هم شرایط برای بروز گرایش هایی که یاد آور شدیم (در محیط بورژوازی) مساعدتر میباشند.

در دوران ما یادآوری تجربه جنگ جهانی دوم سودمند است. جنگ جهانی دوم علاوه بر آشکار ساختن رقابت میان دو گروه بندی امپریالیستی که دشمنی می ورزیدند، مظهر مبارزه علیه اسارت و بردگی مستقیم کشورهای ضعیف تر و علیه تسلط امپریالیسم آلمان و ژاپن بر کشورهای پیشرفته صنعتی سرمایه داری هم بود. بر این پایه (مبارزه علیه اسارت و بردگی - مترجم) در آنها هنگام ائتلاف گسترده ضد فاشیستی بوجود آمد که بخش قابل توجهی از طبقه حاکمه یک سلسله از کشورهای سرمایه داری انحصاری را هم در بر میگیرد.

اکنون جامعه بشری را جنگی تهدید میکند که موجودیت فیزیکی تمام خلقها در گرو بود و نبود آنست. این خطر هم که بسیاری از کشورها در جریان ارضای دعاوی امپراطوری گونه امپریالیسم آمریکا، ثروتمندتر شدن سرمایه مالی ترانس ناسیونال و سود جوئی مجتمع نظامی - صنعتی استقلال سیاسی خود را از دست بدهند وجود دارد.

بدین ترتیب برای ائتلاف وسیع نیروهای صلحدوست که رو در روی نیروهای جنگ ، میلیتاریسم و هژمونیسم امپریالیستی قرار گرفته اند پایه و اساس عینی وجود دارد. وظیفه جستجو یافتن راههای همکاری نزدیک تر و شریک تر با تمام قشرهای اجتماعی، احزاب و محافل سیاسی سازمانهای اجتماعی و جنبش هایی که در جلوگیری از خطر جنگ هسته ای و ایجاد سیستم استوار

امنیت بین المللی همگانی و واقعاً نذینفع میباشند ، برای کمونیستها بسیار مبرم است .

این وظیفه ساده ای نیست ، زیرا مستلزم همکاری و حتی اتحاد با محافظی است که از لحاظ سرشت طبقاتی و سمتگیری سیاسی خود بسیار متنوع میباشند . ولی فقط در نتیجه اقدامات جدی نیروهای گوناگون و زیر پرچم مبارزه در راه صلح میتوان در پیکار برای حفظ تمدن جامعه بشری پیروز شد و شرایط مساعد تری برای پیشروی در راه ترقی اجتماعی فراهم آورد .

از اسناد و مدارک

ترکیه

در راه وحدت نیروهای اپوزیسیون

در اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه که در ارتباط با انتخابات میان دوره ای که ۲۸ سپتامبر سال ۱۹۸۶ در ترکیه انجام شد بتصویب رسیده تأکید شده است که در کشور وضع تازه ای پدید آمده است . حزب حاکم بسیاری از آرا خود را از دست داده است . انتخابات نشان داد که دولت کونی دولت اقلیت است . موضع حزب کمونیست ترکیه ، بلوک نیروهای چپ و سایر نیروهای چپ و همچنین جنبش روشنفکران که همگی با سیاست دولت که به خرابی و وخامت اوضاع منجر میگردد مخالفت می ورزند مورد پشتیبانی گسترده توده ها قرار گرفت . آنها علیه سیاست ضد کارگری دولت و طرفدارای آن از آمریکا رأی دادند . شش سال ترور و عوامفریبی نتوانست در عزم مردم برای دست یافتن بـه دموکراسی خللی وارد آورد . رژیم با شکست روبرو شد . نیروهای دموکراتیک به موفقیت های شایان توجهی دست یافتند .

ولی حزب حاکم همچنان بر سر کار باقی میماند . در سند گفته میشود که دولت میکوشد بـه برای تحکیم خود و درهم شکستن اراده توده های مردم گامهای بردارد . به همین سبب وظیفه مبرم سرنوشتی رژیم موجود و پایان بخشیدن به سیاست ضد خلقی آن در برابر نیروهای مترقی قرار میگیرد . هیچ حزبی قادر نیست به تنهایی این وظیفه را انجام دهد . اینک ، بیش از هر زمان دیگری وحدت تمام نیروهای اپوزیسیون ، اعم از آنها تیکه علفی فعالیت میکند یا آنها تیکه غیرقانونی اعلام شده اند ، ضرور است . موفقیت در انتخابات پایان مبارزه در راه دموکراسی نیست . این مبارزه تازه آغاز میشود . کمونیست ها

با روحیه ای آماده برای رزم

برگزاری چهارمین کنگره حزب کمونیست عراق، برغم دشواریهای فراوان و مسائل جدی که می بایست حل میشد، موفقیتی شایان توجه و دست آوردی بزرگ برای حزب ما بود. کنگره در شرایط کار پنهانی عمیق در سرزمین عراق از دهم تا پانزدهم نوامبر سال گذشته یعنی نه سال و چند ماه پس از کنگره قبلی (سوم) که ماه مه سال ۱۹۷۶ در بغداد تشکیل شده بود، برگزار گردید.

این مجمع حزبی بنا به قرار پلنوم نوامبر سال ۱۹۸۱ کمیته مرکزی که در پلنوم های سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۴ هم تأیید شده بود فراخوانده شد. کمیته مرکزی و بوروی سیاسی آن اصول و موازین را تهیه و تدوین کردند که تدارک کنگره طبق آنها انجام میشد. مسائل مربوط به این کار در صفحات بولتن داخلی حزب یعنی "منادی الحزب" تشریح میگردد.

مقدم بر هر چیز صحبت بر سر تدارک مجدانه و گسترده اسناد اساسی کنگره یعنی گزارش سیاسی، طرح برنامه تازه حزب کمونیست عراق و ارزیابی تجربه مبارزه حزب در دوران بیست و نه سالهای ۱۹۶۸ تا سال ۱۹۸۰ است (۱). این اسناد در تمام سازمانهای حزبی مورد بحث و مذاکره قرار گرفتند. بحث بسیار جدی بود و با احساس مسئولیت، بطور عینی و در عین حال با برخوردی انتقادی، با توجه به تجارب گردآمده و اینکه در حال حاضر مبارزه به چه شکل انجام

۱- از به حاکمیت رسیدن حزب بحث تا قطع همکاری میان این حزب و کمونیست ها.

هیئت تحریریه

توضیح: تأخیر در انتشار مطالب مربوط به چهارمین کنگره حزب کمونیست عراق معلول شرایط بفرنج کار پنهانی است که کمونیستهای عراق در آن بصر میبرند. هیئت تحریریه

میگیرد و وضع گسترش و پیشرفت آن در آینده چگونه خواهد بود، جریان یافت. تذکرات ارزنده، پیشنهادها و نظریات تکمیلی زیادی به کمیته مرکزی و سایر ارگانهای حزبی واصل شد. بسیاری از آنها بهنگام تکمیل اسنادی که از طرف کمیته مرکزی برای مطالعه و بررسی نمایندگان مجمع حزبی آماده میگردد در نظر گرفته شد. باید قید کنیم که با وجود شرایط بسیار سخت کار غیرعقلی، سازمانهای حزبی دوران پیش از کنگره را برای بحث و بررسی جدی اسنادی که آماده میشود، غنی تر ساختن آنها با دانش و تجربه خود و بمنظور تشدید فعالیت خویش، از جمله انجام کارهای حزبی و اطلبانه (خارج از عراق) و گردآوری کمک مالی برای بنیاد کنگره مورد استفاده قرار دادند.

نمایندگان بسیاری که برای شرکت در کنگره آمده بودند از طرف تمام سازمانهای حزبی درون کشور، خارج از کشور و سازمانهای جنبش پارتیزانی برگزیده شده بودند. تأمین نمایندگی چنین گسترده ای در وضع بفرنجی که اجباراً در آن فعالیت کرده ایم و فعالیت می کنیم کار آسانی نیست. تشکیل چنین مجمعی بخودی خود بیانتگر آنست که اولاً بر تعداد سازمانهای حزبی بطور قابل توجهی افزوده شده و صفوف حزب رشد کرده است؛ ثانیاً در این جریان علاقه رهبری حزب کمونیست عراق به این موضوع آشکار میگردد که به حد اکثر دایره گسترده کارهای حزبی امکان دهد در کار کنگره شرکت کنند و سهم خود را در تدوین سیاست و موضع حزب، تعیین درونمای پیشرفت آن و خصلت ارتباط با سایر نیروها ادا نمایند. علاوه بر این مایل بودیم که در مجمع ما افکار و عقاید گوناگون بیان میشد و کنگره عرصه واقعی برخورد عقاید و اندیشه های معرود می میگردد که توأم با احساس مسئولیت و همدردی بودند.

شش روز کار کنگره نمونه درخشانی از کار خلاق در عرصه های ایدئولوژیک - سیاسی و سازمانی بود و وحدت حزب و تشریک مساعی سازمانها، کادرها، اعضاء و طرفداران حزب کمونیست عراق بمنظور انجام وظایف حال و آینده آن را تجسم بخشید. شور و شوق انقلابی تمام افراد حزبی را نمایندگان کنگره با حس مسئولیت و علاقه به حال و آینده حزب، سرنوشت طبقه کارگر و مردم عراق بطور کلی در هم آمیخته بودند. بحث و مذاکراتی که در کنگره صورت گرفت مکتب واقعی برای تمام کمونیست ها بود، زیرا در آنجا چکیده تجربه حزب کمونیست عراق که طی بیش از نیم قرن تاریخ خود گرد آورده بیان میشد و این تجربه و سنن انقلابی آن عمیقاً و بطور ارگانیک با تئوری انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و اصول انترناسیونال پرولتری که برای ما بمنزله قطب نمائی است بهم پیوند می یافت. خاطرۀ کنگره حزبی که برگزار شد از ضمیر کسانی که آنرا تدارک دیدند، در آن شرکت جستند، امنیت نمایندگان را تأمین کردند و به موفقیت کار آن یاری رساندند هرگز محو نخواهد شد.

کنگره با علاقه و بطور مشروح و با روحیه آمادگی برای مبارزات آینده مجموعه مسائلی را مورد مطالعه و بررسی قرار داد که به وضع داخلی کشور، جهان عرب و به عرصه بین المللی مربوط بود. کنگره همچنین وضع جنبش کمونیستی جهانی، پشتیبانی از صلح و امنیت سیاره ما را بتفصیل مورد بررسی قرار داد. کنگره به سئوالاتی که برای کمونیست ها، متحدین حزب ما و برای کسانی که با مبارزه حزب ما ابراز همبستگی نموده و بدان یاری میسرسانند و یا برای مردم عراق بطور کلی مطرح است پاسخ داد. کنگره وضع داخلی حزب، تجربه دگرسازی سازمانهای حزبی، تحکیم واحد های پارتیزانی حزب کمونیست عراق، ارتقاء سطح رزمندگی آنها و تکمیل صفوف آنها با رزمندگان دیگر را بدقت بررسی کرد و وظیفه گسترش همه جانبه روابط حزب با توده های مردم و دفاع از منافع زحمتکشان را مورد توجه فراوان قرار داد.

به مسئله جنگ عراق و ایران در مجمع وقت زیادی اختصاص داده شده بود. آتش جنگی که ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ از سوی رژیم دیکتاتوری آغاز گردید هنوز شعله وراست. حزب ما این جنگ خانمانسوز، کسانی را که آنها را آغاز کردند و کسانی را که بگناه آنها جنگ هنوز ادامه دارد محکوم میکند. کنگره خواستار قطع فوری عملیات جنگی و حل و فصل مسائل موجود میان هردو طرف از راههای مسالمت آمیز گردید. با کمال صراحت براین نکته تأکید شد که موضع میهن پرستانه و انترناسیونالیستی کمونیست ها بدین ترتیب نمایان میگردد که آنها جنگ و اشغال سرزمینهای ایران از طرف ارتش عراق را محکوم کردند و خواستار خروج فوری نیروهای عراق گردیدند و در عین حال تلاش ارتش ایران را هم برای گذشتن از مرزهای عراق، اشغال اراضی آن و گسترش دامنه عملیات نظامی قاطعانه محکوم میکنند. ما بطور اصولی با نیات ایران دایر بر صدور "انقلاب اسلامی" بوسیله جنگ به عراق و تحمیل "مدل ایران" به مردم عراق مخالفیم.

جنگ غیرعادلانه برای هردو خلق دوست تیره روزی و رنج و عذاب بیشماری بهمراه دارد. طبق اخبار منابع بسیار مطلع تلفات انسانی هردو طرف نزدیک به یک میلیون نفر و خسارات مادی بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار است. در ردیف خرابی های عظیم بی آمد های روانی، اجتماعی - سیاسی، دموگرافیک و زیانهای مربوط به محیط زیست را که همه برای جامعه بی اندازه هلاکتبار است و اثرات آنها طی دهها سال ماندگار خواهد بود نمیتوان بحساب نیاورد.

جنگ هنوز هم صلح و امنیت منطقه را بطور بسیار جدی تهدید میکند و برای امپریالیسم، در درجه اول برای امپریالیست های آمریکا بمنظور افزایش حضور نظامیشان، مداخله در امور داخلی کشورها، تجاوز به حق حاکمیت کشورهای مستقل به بهانه "دفاع از" منافع خویشتن امکاناتی فراهم میآورد. شعار قطع فوری جنگ و حل و فصل مسالمت آمیز مسائل موجود نه فقط با

منافع خلقهای هردو کشور تطابق میکند، بلکه برای تأمین صلح و امنیت بین المللی هم سودمند است و با خواستها و تمایلات اعراب و مردم جهان مطابقت میکند.

کنگره خاطرنشان ساخت که حزب و تمام اعضای آن با سازمان دادن اعتراضات گسترده علیه ادامه عملیات نظامی و فراخواندن مردم جهان و تمام نیروهای صلحدوست به فعالیت برای قطع فوری درگیری مسلحانه و بسیج توده ها برای تشکیل تظاهرات گسترده ضد جنگ موظفند درین خود را ادا کنند.

مجمع کمونیست های عراق با احساس مسئولیت کامل به بررسی خصلت رژیم حاکم بر کشور پرداخت. تأکید گردید که رژیم در واقع رژیم دیکتاتوری است و از سیاست تضییق و فشاری پیروی میکند که ضد منافع مردم و ترقی اجتماعی است. این سیاست سرزمین میهن را به ورشکستگی و بی-سروسامانی دچار کرده و موجب بهلاکت رسیدن صدها هزارتن از عراقی ها شده است. کنگره همه نیروهای میهن پرست و احزاب را به یکپارچگی، برقراری همکاری و بسیج تمام امکانات خود برای انجام وظیفه ای فراخواند که در برابر مردم قرار دارد. این وظیفه عبارتست از پایان بخشیدن به جنگ و تحقق آلترناتیو دموکراتیکی که برای عراق دموکراسی و برای کردستان عراق خود مختاری واقعی در برداشته باشد.

براین نکته تأکید شد که جبهه دموکراتیک میهنی وسیله مؤثری در مبارزه در راه تحقق خواسته های مردم ما است. کنگره طرفداری خود را از گسترش این سازمان و ایجاد جبهه گسترده ملی - میهنی ابراز داشت که تمام مخالفان جنگ و دیکتاتوری و طرفداران صلح و دموکراسی را متحد سازد.

نمایندگان مجمع حزبی برای مساعی مردم صلحدوست و مقدم بر همه اهالی کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در جهت قطع بلا درنگ جنگ عراق و ایران، تحکیم همبستگی با خلق ما و نیروهای میهنی آن که در راه عراقی شکوفان، مستقل و دموکراتیک مبارزه میکنند ارج فراوان قائل شدند.

در ارتباط با مسئله جنبش آزاد بیخشم ملی عربی کنگره مضمون مشی استراتژیک امپریالیسم و در درجه اول امپریالیسم آمریکا در منطقه ما را بدقت معین کرد. این مشی که جزء ارگانیک استراتژی جهانی امپریالیسم است خطر جدی برای جنبش آزاد بیخشم، مشی مستقل میهنی کوه کشورهای عربی تعقیب میکنند و برای امر صلح در سراسر جهان میباشد. خطرات اتحاد استراتژیک میان ایالات متحده آمریکا و اسرائیل هم که در تضاد با منافع خلقهای عرب، امنیت، استقلال و آزادی آنها است بطور موقتی نشان داده شد.

شرکت کنندگان در کنگره پشتیبانی قاطعانه خود را از مبارزه خلق برادر فلسطین، به رهبری یگانه نماینده قانونی خود یعنی سازمان آزاد بیخش فلسطین، ابراز داشتند و مانورها و توطئه های امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع را که هدفشان تضعیف و نابودی سازمان آزاد بیخش فلسطین است محکوم کردند. آنها فلسطینی ها را به کوشش برای وحدت واحد های این سازمان برپایه اسناد شانزد همین اجلاسیه شورای ملی فلسطین فراخواندند و موافقت نامه عرفات را قاطعانه رد کردند (۱) . نمایندگان با قید ضرورت تحکیم همبستگی با مبارزه مردم سوریه استواری سوریه را در مقابل تهدیدات امپریالیسم آمریکا و اسرائیل و حملات نظامی مداوم آنها ستودند. تشدید تهدیدات علیه جمهوری لیبی و خلق برادر آن کشور نیز محکوم گردید .

کنگره توجه خاصی به مسائل جنگ و صلح بمنزله مسئله اصلی که اینک در برابر جامعه بشری قرار گرفته مبذول داشت. آشکارا نشان داده شد که سیاست واشنگتن، بویژه در دولت ریگان، برای صلح جهانی هرچه خطرناک تر میگردد؛ دورنمای شوم نابودی زندگی در روی زمین و زوال تمدن بشری از آن ناشی میشود. حزب کمونیست مردم عراق، نیروهای صلحدوست سیاره ما و تمام کسانی را که موجودیت و شکوفائی جامعه بشری را گرامی میدانند فراخواند تا امر صلح را بدست خود گیرند و وظیفه دفاع از آنرا انجام دهند. آنچه حائز اهمیت است مقابله قاطعانه با تلاشهای پرتب و تاب امپریالیسم آمریکا بمنظور تشدید تنش و وخامت وضع بین المللی، تسریع مسابقه تسلیحاتی هسته ای و کشاندن آن به فضای کیهانی، آغاز تولید نسل های تازه اسلحه نابودی جمعی و بدین ترتیب بردن جهان به لبه پرتگاه هلاکتبار جنگ هسته ای است. حزب ما از پیشنهاد های صلحجویانه اتحاد شوروی و ابتکارهایی که بطور مستمر از سوی آن کشور مطرح میگردد پشتیبانی بعمل میآورد، زیرا آنها با تمایلات و خواست خلقهای روی زمین که زندگی در جهانی بدون جنگ و بدون بیم و هراس از خطر نابودی است تطابق کامل دارند .

حزب کمونیست عراق با اثبات رساند که واحد رزمنده مهنی از ارتش جهانی کمونیست ها و از اجزاء مشکله جنبش کمونیستی بین المللی است. حزب ما در اندیشه وحدت آن جنبش و تحکیم یکپارچگی آن است و براین عقیده است که حل و فصل مسائلی که در برابرش مطرح است باید برپایه اصول و احکام تئوریک مارکسیسم - لنینیسم انجام پذیرد. ما معتقدیم که باید امکان انجام دیدار جهانی کمونیستها را بمنظور تحکیم وحدت جنبش و همبستگی بین المللی آن بخاطر دست یافتن بموفقیتهای تازه در بیکار علیه خطر تجاوز و جنگی که از امپریالیسم ناشی میگردد، مورد

۱- موافقتنامه در یازدهم فوریه سال ۱۹۸۵ میان حسین پادشاه اردن و یاسر عرفات صدر کمیته اجراییه سازمان آزاد بیخش فلسطین باضا رسید. هیئت تحریریه.

مطالعه و بررسی قرار داد .

بحث و مذاکره درباره وضع داخلی حزب، مسائل و دشواریهاییکه با آنها روبرو گردیده و یا در دوران گذشته در سراز خود برطرف ساخته و همچنین خطاهایی که مرتکب شده بطور جدی و با انتقادی سازنده انجام یافت. نمایندگان موفقیت‌هایی را که در ایجاد سازمان‌های حزبی و افزایش پتانسیل آنها، در گسترش جنبش پارتنری، تشدید فعالیت حزب کمونیست عراق، استحکام روابط آن باتوده‌های زحمتکش و دفاع از منافع آنها و در ارتباط نزدیک خواستهای حیاتی با مسائل بنیادی ملی بدست آمده یادآور شدند .

در اسنادی که در پایان این بحث و مذاکره پرستولیت و توأم با ژرف‌اندیشی و تأمل به تصویب رسیده قید گردیده است که حلقه اصلی کار سازمانی - حزبی در این مرحله مانند گذشته ایجاد سازمانهای حزبی در تمام نقاط کشور، در محیط طبقه کارگر و سایر قشرهای زحمتکشان شهرها دهقانان، جوانان، دانشجویان، زنان، در نیروهای مسلح و در محل سکونت اهالی است. تحکیم هرچه بیشتر ارتباط حزب کمونیست عراق با توده‌های مردم و افزایش فعالیت‌سندیکاها و سایر سازمانهای دموکراتیک هم حائز اهمیت است. کار و کوشش در این جهت ضامن و وسیله مطمئن بسیج توده‌های مردم تا جلب آنان به مبارزه انقلابی در راه منافع حیاتی و خواست‌های بنیادی آنها میباشد. انجام این وظیفه مبرم نیازمند فراگرفتن عمیق تجربه سالهای گذشته، برخوردی نوو مبتکرانه در جستجوی اشکال، شیوه‌ها و وسائل مبارزه و استفاده از آنها است. این کار مستلزم توجه مداوم به موازین و اصول سازمانی لنینی در زندگی داخلی حزب یعنی مرکزیت دموکراتیک، انتقاد و انتقاد از خود، رهبری جمعی و پنهانکاری و انطباق خلاق آن موازین و اصول است. همچنین نسبت به دسایس و نقشه‌های دشمنان حزب باید شش طبقاتی تیز و هشیاری انقلابی آگاهانه نشان داد تا بتوان از وارد آمدن ضربه‌های شدید به حزب جلوگیری کرد .

کنگره برخی از پدیده‌های منفی را که در زندگی درون حزبی بوجود آمده بود و فعالیت کمونیست‌ها در عرصه‌های گوناگون را بدقت مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. کنگره همچنین با جسارت و دلیرانه اشتباهات و خطاهای رهبری حزب، ارگانهای مختلف آن و فرد فرد کارکنان در حلقه عمده سازمان حزب را مورد بررسی و انتقاد قرار داد و در ضمن علاقه و توجه فراوان خود را نسبت به سازمانهای حزبی و کادرها نشان داد. تأیید شد که حزب توانائی آنها دارد که نواقص را برطرف سازد و به تقویت موازین سالم و لنینی در زندگی و فعالیت خود دست یابد. کنگره اعلام کرد که رهبری تازه حزب کمونیست عراق موظف است با فراگرفتن عمیق تجربه گذشته

آنها بد رستی و بطور خلاق در مبارزه در این مرحله و مراحل بعدی بکار برد . در ارتباط با این موضوع براهمیت فراوان آماده ساختن و پرورش و تربیت کادرهای جوان تأکید میشد . صحبت بر سر افزایش فعالیت آنها و بالا بردن نقش آنان در کار ارگانهای حزبی گوناگون و بویژه ارگانهای رهبری است . ضرورت بذل توجه بیشتر به کادرهایی که از محیط کارگران و سایر قشرهای زحمتکشان برخاسته اند نیز یادآوری شد . هدف این اقدامات استحکام خصلت طبقاتی حزب است .

نمایندگان با توافق آراء تدابیر انضباطی را که حزب در سال ۱۹۸۱ در مورد کمانی اتخاذ کرده بود که مرتکب اشتباهاتی شده بودند ، خواستههای مندرج در اساسنامه و موازین لنینیستی فعالیت را نقض کرده بودند ، به حزب زیان وارد آورده بودند و یا یکپارچگی صفوف آنها متزلزل میساختند ، تأیید کردند . به رهبری تازه حزب توصیه شده است در آینده هم با استواری اصولی و صراحت انقلابی و بدون تأخیر و تعلل به این قبیل مسائل رسیدگی کند .

کنگره از خاطره قهرمانان میهن پرستی که بهلاکت رسیده اند تجلیل بعمل آورد و همدردی خود را نسبت به خانواده و آشنایان آنان که متحمل ضایعات جبران ناپذیر و درد و رنج شده اند ابراز داشت . کنگره همچنین به تمام کمونیست های مبارزی که با گذشت و فدکاری و روحیه ای عالی با جنگ و تضییق و فشار مقابله میکنند تبریک و تهنیت گفت .

چهارمین کنگره حزب کمونیست عراق به عرصه بروز درخشان اعتقاد بیحد کمونیستهای عراق بد رستی تئوری علمی مبدل گردید که مابطور پیگیر و خلاق از آن پیروی میکنیم و نمونه بارزی از صداقت کامل آنان به اصول لنینی زندگی حزبی را عرضه داشت . این امر بدون تردید در غلبه بر دشواریها ، برکنار ماندن از اشتباهات و به پیشروی با اطمینان در راه د رستی که برگزیده ایم به یاری خواهد کرد .

مجمع عالی حزبی عملاً با سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر مقارن شد و از نام درخشان آن مایه گرفت . آموزش بنیانگذاران بزرگ جامعه بشری ، مارکس ، انگلس و لنین نمایندگان را گرد حزب پراقتدارشان و مرعاد لانه آن متحد میساخت و قطب نمای آنان در انجام کار نیک و دشوارشان بود . پرچم مارکسیسم — لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری حامی و مدافع آنها یعنی نوه ها و داماد همدان رسالت رفقای فراموش نشدنی ما عهد و سلام عادل بود . نتایج قابل توجه کنگره درخشان ترین بیانگر این مدعا است . تحقق خلاق آنچه در نظر گرفته شده ، بکمک تمام اعضای حزب و دوستان آن روز به روزی را نزدیک میکند ؛ آن روز روز رهایی از جنگ و د یکتا توری و تحقق آلترناتیو د موکراتیک د سرزمین میهن عزیز ما است .

جنبش سندیکائی پس از کنگره جهانی

ابراهیم زکریا
دبیرکل فدراسیون جهانی
سندیکاها

جنبش کارگری در کشورهای گوناگون اینک تحت تأثیر شدید یازدهمین کنگره جهانی سندیکاها که در برلین (جمهوری دموکراتیک آلمان) برگزار گردید (۲۲-۱۶ سپتامبر سال ۱۹۸۶) پیشرفت میکند. این کنگره از بسیاری جهات کنگره بیسابقه ای بود.

۱- این مجمع از لحاظ تعداد نمایندگان شرکت کنند، در طول تاریخ موجودیت جنبش سندیکائی جهانی بی نظیر بود. در آن ۱۰۱۴ نماینده از سازمانهای ملی، منطقه ای و بین المللی شرکت جستند که مظهر اراده ۲۹۶ میلیون تن زحمتکشان متشکل تمام قاره ها بودند.

۲- این کنگره دیا لوگ جهانی سندیکاها بود و دایره وسیعی از جریانهای گوناگون جنبش سندیکائی جهانی را دربرمیگرفت: ۴۵۲ تن از شرکت کنندگان نمایندگان سازمان هائی بودند که در فدراسیون جهانی سندیکاها عضویت دارند و ۵۶۲ نفر هم نمایندگان سایر سازمان های بین المللی کارگری و یا سازمان های خود مختار بودند.

۳- برغم وجود اختلاف در سمتگیری سیاسی وایدئولوژیک و برغم این واقعیت که فدراسیون جهانی سندیکاها که سازمان دهنده مجمع بود، در آن اکثریت نداشت کنگره به نتایجی رسید که باتفاق آراء پذیرفته شدند. مجمع اسناد بسیار مهمی را بتصویب رسانید که متعکس کننده برخورد مشترک سندیکاهای جهان ما به اساسی ترین مسائلی میباشد که در حال حاضر در مقابل زحمتکشان کشورهای مختلف مطرح است.

بدین ترتیب کنگره امکان وحدت نیروهای طبقه کارگر و همه زحمتکشان و بسیج افکار عمومی جهانیان برای دفاع از اندیشه صلح و همکاری و پشتیبانی از طرز تفکر نو و موازین رفتار و کردار نو در عرصه بین المللی را که در قرن هسته ای بی اندازه ضرور است، نشان داد و الهام بخش زحمتکشان برای فعالیت بیشتر در دفاع از منافع خود، دموکراسی و عدالت اجتماعی گردید.

ترکیب نمایندگان سندیکا های ملی حائز اهمیت فراوان بود . برغم اختلاف های سیاسی و ایدئولوژیک و حتی وجود رقابت ، بدون استثنا تمام سازمان های سندیکائی ملی بسیاری از کشورها برای شرکت در کارکنگره اظهار تمایل کردند . این امر نشان دهنده نگرانی عمیق مشترک آنها از تشدید وخامت وضع بین المللی ، خطر جنگ ، بی آمدن های اقتصادی و اجتماعی مسابقه تسلیحاتی و بحران جهانی سرمایه داری بود . این وضع نیازمند اقدامات و مساعی مشترک سندیکاها و زحمتکشان بمقیاس جهانی است .

مجمع ما در لحظه فوق العاده متشنج و دشوار و حتی میتوان گفت بهنگام پیدایش چرخشی در زندگی جامعه بشری تشکیل شد . از یکسو دست آورد های انقلابی و درگونیهای بنیادی گسترش یافته و استقلال ملی خلقها نیکه از یوغ سلطه استعماری و امپریالیستی رهائی یافته اند مستحکم گردیده و از سوی دیگر به فعالیت نیروهای ارتجاعی امپریالیستی که مایل نیستند با تغییرات مترقی در عرصه جهانی و گرایش عمومی پیشرفت در راه استقلال و ترقی اجتماعی بسازند افزوده شده است .

وضع اقتصادی در جهان بدتر میشود . وضع اقتصادی در کشورهای در حال رشد در نتیجه سیاست ارزی - مالی و تدابیر کشورهای صنعتی سرمایه داری (از جمله سیاست حمایت و امتیازهای حسابگرانه) در واقع خطرناک و فاجعه آفرین است . افزایش بیسابقه وام خارجی کشورهای " جهان سوم " ، نرخ بهره بسیار زیاد و دشواریهای دیگری که فوندارز بین المللی و سایر سازمانهای مالی سرمایه کلان تحصیل میکنند بنویه خود عوامل مکمل پراهمیت بی ثباتی هستند . مسائلی مانند بیکاری ، اشتغال موقت ، تورم ، نقل مکان اهالی روستاها به شهرها ، فقدان مسکن و وسائط نقلیه ، عدم امکان تحصیل ، کمبود مواد خوراکی و گرسنگی در این کشورها هرچه حادث تر میگردد . تنزل سطح زندگی زحمتکشان در کشورهای صنعتی سرمایه داری که بی آمد تشدید بحران است ، در این اواخر موجب نگرانی روزافزون گردیده است . تعداد کسانی که ناچار بایند حتی پائین تر از " سطح فقر " بسر ببرند در سراسر جهان روبه ازدیاد است .

سرمایه به پشتیبانی دولت های بورژوازی پورشی را علیه سطح زندگی زحمتکشان و حقوق آنها آغاز کرده است که از جنگ جهانی دوم باینطرف سابقه نداشته است . حالا دیگر نه فقط موجودیت قرارداد های دسته جمعی و سیستم های تأمین اجتماعی ، بلکه خود آینده اتحادیه های صنفی در معرض خطر قرار گرفته است . محروم کردن طبقه کارگر از دست آورد هایی که طی چند دهه مبارزه بدست آورده و بعقب بازگرداندن پروسه پیشرفت اجتماعی هدف این حمله است .

در حالیکه میلیونها نفر انسان متحمل رنج و عذاب گرسنگی ، عقب ماندگی اقتصادی و فقر

میشوند محافل حاکمه امپریالیستی مسابقه تسلیحاتی را گسترش میدهند . سیاست دولت آمریکا از پشتیبانی نیروهای میلیتاریست کشورهای ناتو برخوردار است به ایجاد و گسترش کانون های تشنج می انجامد و به عملیات تجاوزکارانه صهیونیست ها و نژاد پرستان در خاور نزدیک و آفریقا^ی جنوبی کمک میکند . واشنگتن از رژیم های دیکتاتوری و ارتجاعی در آمریکا لاتین ، آفریقا و آسیا حمایت میکند و به وخامت وضع بین المللی و خطر بلیه هسته ای جهانی می افزاید . در اینجا ارتباط مستقیم میان وام تریلیونی " جهان سوم " و حجم از تریلیون بیشتر هزینه های نظامی ایالات متحدہ آمریکا طی پنج ساله اخیر بخوبی نمایان است . کاهش درآمد زحمتکشان کشورهای سرمایه داری هم که نتیجه تنزل دستمزدهای واقعی آنها است به تریلیونها بالغ میگردد . تمام این پولها بمصرف مسابقه تسلیحاتی میرسد که منبع درآمدی برای مجتمع نظامی - صنعتی - مالی است . سیر بفرنج وضع اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی نیازمند تأثیر جدی و مداخله ازطرف جنبش سندیکائی و هم آهنگی مبارزه زحمتکشان در دفاع از منافع حیاتی خویش بوسیله رهبری سندیکاها است . کنگره سه جهت عمده را که اکنون اقدامات جنبش سندیکائی جهانی را باید روی آنها متمرکز ساخت معین کرد . این تمرکز اقدامات برای جلوگیری از خزش خطرناک جامعه بشری بسوی نابودی در جنگ جهانی تازه و ممانعت از نابودی تدریجی آن در منگنه بحران اقتصادی محیط زیست و مواد خوراکی ضرور است .

سمت اول مبارزه افزایش و گسترش اشتراک سندیکاها در مبارزه علیه خطر جنگ و در راه قطع مسابقه تسلیحاتی و استفاده از بودجه آنها برای پیشرفت اجتماعی - اقتصادی و مبارزه در راه خلع سلاح و همزیستی مسالمت آمیز کشورهای است که دارای نظامهای اجتماعی گوناگون میباشد .

سمت دوم ، تشدید و گسترش مبارزه در دفاع از منافع حیاتی و خواستهای زحمتکشان ، علیه بیکاری ، گرسنگی ، فقر و در راه دگرگونیهای بنیادی اجتماعی - اقتصادی و دموکراتیکی است که راه را برای چنان برون رفتی از بحران سرمایه داری و برطرف ساختن بی آمدهای آن میگشاید که به زیان زحمتکشان نباشد .

سمت سوم هم تشدید و گسترش مبارزه در راه مراعات و تحکیم حقوق و آزادهای سندیکائی و پایان بخشیدن به یورش سرمایه کلان علیه دست آورد های اجتماعی توده ها و علیه سندیکاها است .

اگر وضعی را که پس از کنگره یازدهم بوجود آمده با آنچه در حدود پنج سال پیش درجهائی وجود داشت مقایسه کنیم ، میتوان دید که اینک سندیکاها در دفاع از صلح و علیه بی آمدهای

اقتصادی و اجتماعی مسابقه تسلیحاتی بسیار فعالانه تر عمل میکنند. ارتباط مستقیم میان مبارزه در راه صلح و خلع سلاح و مبارزه در راه خواستههای اجتماعی - اقتصادی زحمتکشان که در کنگره در باره آنها صحبت شد، اکنون کاملاً باثبات رسیده است. در چنین شرایطی سند یگانه نمیتوانند دست روی دست گذارده و اقدامی بعمل نیاورند.

مجمع ما باتفاق آراء به نتیجه ای رسید که طبق آن، همانطور که در سند اساسی گفته شده است، "بار مسابقه تسلیحاتی آنقدر سنگین شده و خطری که از آن ناشی میگردد آنقدر جدی است که سند یگاها و نیروهای صلحدوست باید اقدامات خود را همیزان قابل توجهی تشدید نمایند و نیروهای خود را متحد سازند. در جنگ هسته ای غالب و پیروزمندی نمیتواند باشد. در مسابقه تسلیحاتی هم هیچکس نمیتواند پیروز گردد. بهمین جهت تضمین امنیت يك امر سیاسی است. فوری ترین کار لازم ایجاد سیستم امنیت بین المللی و از جمله جهات نظامی، سیاسی اقتصادی و بشردوستانه است. سند یگاها و سایر سازمانهای دموکراتیک باید در بسیج توده ها و در دست یافتن به این هدف نقش مهمی ایفاء کنند."

پژوهش های بسیار و از جمله آنچه که سند یگاها چاپ و منتشر کرده اند باثبات میرسانند که اظهارات سخنگویان و طرفداران مجتمع نظامی - صنعتی دایر بر اینکه قطع مسابقه تسلیحاتی گویا به بیکاری و تنزل سطح زندگی توده ها منجر میگردد بی اساس است. بعکس افکندن صنایع نظامی در مسیر ارضای نیازمندیهای مسالمت آمیز اشتغال را افزایش میدهد و تمام اقتصادهای ملی در نتیجه آن به امتیازات زیادی دست می یابند. شرایط صلح و کاهش تشنج به برقراری همکاری اقتصادی و مبادلات بازرگانی میان کشورهای سرمایه داری و سوسیالیستی کمک میکند و این نیز در ایجاد محل کار تأثیری نیکو خواهد داشت و رشد اقتصادی را تسریع خواهد کرد. جو همکاری به برقراری نظم اقتصادی بین المللی تازه یاری میرساند. قطع مسابقه تسلیحاتی و خلع سلاح وسایل بسیار زیادی را در اختیار جامعه بشری قرار میدهد که میتوانند بطور مستقیم به حل و فصل مسائل بزرگ اجتماعی کمک کنند. بطور مثال کاهش هزینه های تسلیحاتی همیزان فقط ده درصد که خواست مجموعه جنبش سند یگائی جهانی است امکان میدهد برای يك برنامه پیشرفت ده ساله بسود میلیونها نفر که فاقد ابتدائی ترین وسایل زندگی هستند، بودجه و اعتبار تأمین گردد.

سند اساسی که باتفاق آراء در کنگره به تصویب رسید، کاربایه گسترده ای برای شرکت بیشتر سازمانهای سند یگائی تمام کشورها در مبارزه در راه مهمترین حق انسانها یعنی حقوق زیستن بدست میدهد. تمام مردم جهان و زحمتکشان و اتحادیه های آنان با مساعی مشترک

جدی میتوانند از خطر جنگ تازه ای که همه چیز را نابود میکند جلوگیری کنند و مسابقه تسلیحاتی را مهار کرده و بمعب برگردانند. فدراسیون جهانی سندیکاها برای انجام این قبیل اقدامات مشترک با تمام سندیکاها صرفنظر از سنگگیری و تعلقات بین المللی آنها آماده است.

تشدید مبارزه در دفاع از صلح بهیچوجه فقط بمعنی گسترش مبارزه سندیکائی در راه حقوق اجتماعی - اقتصادی زحمتکشان یعنی مبارزه در راه کار، بهداشت، تأمین اجتماعی، تحصیل و مسکن نیست، بلکه چنین مبارزاتی را ایجاد میکند. نه فقط برای رهبران سندیکاها، بلکه برای توده های مردم هم هرچه روشن تر میشود که امتناع از میلیتاریزاسیون اقتصاد با بهبود وضع اجتماعی - اقتصادی زحمتکشان و حفظ و گسترش دست آورد های سندیکائی و دموکراتیک ارتباط متقابل دایک تیکی دارد. بطوریکه قید کردیم، ویژگی وضع کنونی در این است که سرمایه کلان به یورش گسترده و هم آهنگ شده ای علیه منافع حیاتی زحمتکشان دست زده است. سرمایه داران و صاحبان صنایع میکوشند از دست آورد های انقلاب علمی - تکنولوژی تازه و تغییرات ساختاری که در ارتباط با آنها در طبقه کارگر پدید آمده برای اعمال پراتیک جلب نیروی کار با استفاده از تبعیض و کاهش میزان دستمزدها استفاده کنند. بحلاوه موازینی که تاکنون در نتیجه قرارداد های جمعی در ازمدت بتصویب رسید تغییر داده میشوند و یا بکلی ملغی میگردد. در واقع ما همواره با کوششی آشکار برای تبدیل مذاکرات جمعی به "مذاکرات درباره گذشت و عقب نشینی" روبرو هستیم. انحصارها با استفاده از شیوه های شانناژ و فشار از زحمتکشان طلب میکنند که با قطع بنیاد تأمین اجتماعی و کاهش دستمزدها موافقت کنند و از تضمین کار و اشتغال صرفنظر نمایند.

دولتهای کشورهای سرمایه داری زیر فشار انحصارها هرچه بیشتر به برهم زدن مکانیسم های موجود مدیریت دولتی و تنظیم و کنترل اقتصاد رضایت میدهند. این سیاست که بمنزله "لیبرالیسم اقتصادی" بطور دامنه داری تبلیغ میگردد با عدول از تنظیم اقتصاد و عدول از ملی کردن همراه است تا تسلط کامل و فقدان کنترل که لازمه بدست آوردن حداکثر سود است، برای سرمایه تأمین گردد. عدول از ملی کردن عملاً بمعنی بازگرداندن تمام رشته های پرسود از بخش دولتی بدست صاحبان صنایع و بانکها و حفظ آن رشته های اقتصادی در بخش دولتی است که با بحران هائی روبرو میباشند که اغلب نتیجه غارت آشکار ثروتهای ملی از طرف انحصارها است.

عدول از ملی کردن و "خصوصی کردن" مالکیت اینک بطور گسترده در کشورهای عضو سازمان همکاری و رشد اقتصادی و در برخی از کشورهای در حال رشد علمی میشود. فوندارز بین المللی انجام این تدابیر را بمنزله شرط اعطای وام به کشورهای "جهان سوم" مطرح ساخته است. غارت منابع ملی و ثروتهای جامعه، تملک آشکار بودجه دولتی اینک راه و رسم عادی سرمایه کلان است. سیاست

دولتی هرچه بیشتر به سیاستی ضد خلقی مبدل میگردد که بسود انحصارها اِعمال میشود . فساد و رشوه خواری در چنین شرایطی به خصیصهٔ تپییک سیستم مبدل میگردد و تصادفی نیست که در این اواخر ما شاهد افشای جنجالی زد و بند ها و ساخت و پاخت های متعدد دی بوده ایم که نشان دادند چگونه شرکت های بزرگ آشکارا لیدران احزاب سیاسی حاکم را با رشوه و تطمیع وادار به فعالیت بسود خود کرده اند .

بموازات یورش همه جانبه و شدید اقتصادمخملات ایدئولوژیک هم صورت میگردد ، که در جریان آن گفته میشود گویا فقط بخش خصوصی سرمایه داری میتواند تولید را بگونه ای سازمان دهد که سودآور باشد و بخش خصوصی در شرایط انقلاب علمی - تکنیکی هم برای مدیریت و ادارهٔ اقتصاد پانداژه کافی با نرمش و فعال است .

سالهای درازی است که مرکز ویژهٔ شرکت های ترانس ناسیونال شورای اقتصادی و اجتماعسی سازمان ملل متحد بدون نتیجه میکوشد مجموعه قوانین بین المللی ویژهٔ راه و روش را تهیه و تنظیم کند که فعالیت این قبیل شرکتها را در چهارچوب معینی محدود نماید . سرمایهٔ انحصاری ملی آشکارا دولت های کشورهای را که متکی بد آنها است زیر فشار قرار میدهد که با هرکوشی که برای تصویب چنین موازینی بعمل میآید مخالفت کنند . علاوه بر این کمپانی های ترانس ناسیونال اعلام میکنند که گویا فقط آنها ، با ایفای نقشی غیرقابل تمویض در اقتصاد جهانی ، میتوانند راه را بروی تکنولوژی نوگشایند . آنچه گفته شد وظایف تازه بفرنجی در مقابل سند پکاها در سطوح مختلف و در برابر مجموعهٔ جنبش سند کائنی جهانی مطرح میکند . اولاً این را باید یادآور شویم که مسائلی که انقلاب علمی - تکنیکی پیش آورده تضاد آشتی ناپذیر میان رشد سریع و شدید نیروهای مولد و خصلت اجتماعی آنها از یکسو و شیوهٔ خصوصی مصرف از سوی دیگر را آشکارا نشان میدهند ، زیرا این نیروهای واقعاً عظیم مولد بسه اقلیت کوچکی که صاحبان انحصارها هستند تعلق دارد . ثانیاً نمیتوان این را در نظر نگرفت که سرمایهٔ کلان در تلاش برای تعمیم تکنولوژی قرن بیست و یکم از ثغورهای اقتصادی و مناسبات تولیدی قرن نوزدهم یعنی چنان ثغوری و پراتیکی استفاده میکند که در اثر وجود آنها سرمایه داری ، بطوریکه برخیهها ترجیح میدهند بگویند ، " کاملاً غیرقابل قبول " میشود .

تعمیم تکنولوژی تازه در شرایط مناسبات تولیدی عقب افتاده ، اگر از لحاظ مضمون اجتماعسی سیاست اقتصادی قضاوت کنیم فقط دنیا را بمقرب می برد .

بحران تعمیق یابندهٔ سرمایه داری برای تمام زحمتکشان و خلقها پی آمدهای نامطلوبی همسراه دارد . این بحران بدرجهٔ معینی در کشورهای سوسیالیسم هم تأثیر میکند . کشورهای سوسیالیستی که دارای مناسبات بازرگانی - اقتصادی با دنیای سرمایه داری هستند اینک مجبورند برای کالاها و

مواد خاصی که وارد میکنند بهای خیلی بیشتری بپردازند • ولی در ضمن بعلمت وجود مالکیت اجتماعی بسر وسائل تولید و خصلت دموکراتیک برنامه ریزی و مدیریت در اینجا ما آن بیماریهای اجتماعی را که در سرمایه داری حالت همه گیر پیدا کرده اند نمی بینیم • فقر وجود ندارد • به دست آورد های اجتماعی زحمتکشان تجاوز نمیشود • اعتباراتی که برای فرهنگ و بهداشت در نظر گرفته شده • کاهش نییابد • برای گرفتن سویی که بنگاههای خیره بر مردم میدهند صف هائی نظیر آنچه اکنون در کوچه های نیویورک شیکاگو و لندن دیده میشود • وجود ندارد • احزاب حاکم در کشورهای سوسیالیستی مسئله تسریع شدید پیشرفت اجتماعی - اقتصادی • بالا بردن سطح رفاه مادی و فرهنگ معنوی خلقها با اشتراک کامل سند یکاها را در دستور روز قرار داده اند •

دست آورد های تکنیکی که هم اکنون وجود دارد و یا در آینده نزدیک در رشته های اطلاعاتی ارتباطات • اتوماتیسم • بیوتکنولوژی بدست خواهد آمد نه فقط برای افزایش تولیدات مادی امکان فراهم میآورد • بلکه در تمام فعالیت های اقتصادی و تمام عرصه های پراتیک اجتماعی مؤثر واقع میشود • در ساختار نیروی کارگری • مضمون کار • شکل و شیوه زندگی انسانها و در راه و روش اجتماعی و در فکر و اندیشه آنان تغییرات بزرگی پدید میآید • استفاده از دست آورد های علمی - تکنیکی وسائل لازم را برای ارضای خواستههای زحمتکشان • کاهش نابرابریهای اجتماعی • برطرف ساختن عقب ماندگیها و از بین بردن گرسنگی • بیسوادی و کمبود محل کار بدست میدهد • ولی با وجود تمام اینها هم تکنولوژی نمیتواند هم موجب تشدید استثمار سرمایه داری شود و هم به افزایش رفاه و آسایش مردم یاری رساند • تکنولوژی نو یا به ترقی اجتماعی بسود زحمتکشان کمک میکند • یا آزمندی شرکت های ترانس ناسیونال را که در تلاش افزایش درآمد خود هستند برانگیخته و ارضاء میکند • میتواند راه را برای پیشرفت اقتصادی بگشاید که نظم اقتصادی بهتری را به همراه داشته باشد یا هرج و مرج و بی نظمی موجود را تشدید کند • همه اینها وابسته به نتایج مبارزه اجتماعی است •

تعمیم دست آورد های علم و تکنیک در تولید • افزایش ارتباط متقابل اقتصاد جهانی • فعالیت کمپانی های ترانس ناسیونال • سیاست ضد کارگری هم آهنگ کشورهایی که مراکز مدیریت انحصارهای بین المللی در آنجا واقع است و نیاز های همبستگی مستلزم هم آهنگی بهتر اقدامات سند یکاها در دفاع از امر زحمتکشان است • روز بروز روشن تر میگردد که هیچ سازمانی نمیتواند یک تنه مسائلی را که در ارتباط با این وضع بوجود آمده حل و فصل کند • وقت آن رسیده است که بمنظور بالا بردن سطح همکاری بین المللی سند یکاها و هم آهنگی اقدامات آنها تدابیر جدی اتخاذ گردد و وحدت عمل برای حل مسائل اجتماعی - اقتصادی مهم گسترش داده شود • ترقی اجتماعی بدون مداخله دموکراتیک زحمتکشان و خلقها بی معنی است • به همین سبب سند یکاها موظفند از نیروی خود بسود ستگیری دموکراتیک

اداره اقتصاد استفاده کند .

طبیعی است که در کشورهای مختلف میتواند اولویت های گوناگون و متفاوت مبارزه سندیکایی وجود داشته باشد ، ولی این مبارزه از قرار معلوم با تمام تنوع و تفاوت ها باید درجهتی باشد که به سیاستی که دولتهای پرورواثی در پیش گرفته اند و هدفش خروج از بحران بحساب زحمتکشان است پایان دهد . افزایش قدرت خرید زحمتکشان ، کمک هزینه ها و حقوق بازنشستگی ، تحقق کنترل قیمتها کاهش تورم ، بهبود دفاع اجتماعی زحمتکشان و از جمله پایان دادن به تبعیض در پرداخت دستمزد زنان ، جوانان و کارگران - مهاجر ، تأمین بیکاران و اعضای خانواده های آنان با وسائل لازم برای زیست را سندیکاها از ضروریات بشمار می آورند . خواستهای کارگران دایر بر انجام اصلاحات مالیاتی ، دموکراتیک و ارضی که عدالت اجتماعی بیشتری را تأمین کنند مورد پشتیبانی گسترده سندیکاهائی قرار گرفته است که دارای سنگبیههای مختلف میباشند . پس از کنگره مبارزه در راه کاهش زمان کار ، بدو ن کسر شدن از میزان دستمزدها ، برای افزایش طول مدت مرخصی یا حقوق ، تقلیل سن بازنشستگی و افزایش حقوق بازنشستگی هم شدت می یابد .

در بالا قید شد که بحرانی که سیستم سرمایه داری را فرا گرفته و جاد شدن آن بویژه در کشورها در حال رشد بشدت تأثیر میکند . در چنین شرایطی برقراری نظم اقتصادی بین المللی تازه ، ایجاد مناسبات عادلانه و با حقوق برابری که به پیشرفت تمام کشورها و در درجه اول کشورهای در حال رشد کمک کند بیش از هر زمان دیگری لازم و مهم میگردد . زحمتکشان و سندیکاهای آنان در اقدام فوری برای جلوگیری از بدتر شدن مداوم وضع اجتماعی - اقتصادی در " جهان سوم " و برطرف ساختن کامل علل عقب ماندگی بشدت ذینفع میباشند . الغای وام خارجی از تدابیر درجه اول در این جهت است . صحبت پیش از هر چیز برسر لزوم جدی دست یافتن به قطع پرداخت خود وام و ریجی که بسدان تعلق میگیرد و عقب انداختن آنها برای مدت نامعلومی است .

از روز پیدایش جنبش سندیکائی تاکنون نظریات گوناگونی درباره امکانات و میزان مداخله آن در سیاست بیان شده است . در آغاز بحث و گفتگو بر سر این بود که سندیکاها باید هدف سیاسی داشته باشند ، نقش سیاسی ایفاء کنند ، به این یا آن شکل در حاکمیت سیاسی شرکت جویند یا اینکه آنها باید فعالیت خود را به مسائلی مانند تضمین اشتغال بکار ، دستمزدها و شرایط کار محدود کنند . تا به امروز هم درباره مقیاس و اشکال تأثیر سندیکاها در سیاست نظریات مختلفی وجود دارد . طرفداران یک نظریه نمیخواهند سیستم اجتماعی سرمایه داری را بمنزله یک سیستم تغییر دهند ، آنها فقط میخواهند آنرا " تصحیح " کنند ؛ ولی نمایندگان نظریه دیگری بر این عقیده اند که اصلاح ساختارهای سرمایه - داری کافی نیست زیرا آنها کاملاً کهنه و فرسوده شده اند و وقتشان گذشته است .

یازدهمین کنگره جهانی سندیکاها که نمایندگان این دو طرز تفکر از کشورهاییکه دارای نظام اجتماعی مختلفی هستند در آن شرکت جستند، آشکارا نشان داد که موضعگیری های سندیکاها بطریق گوناگون تحول می یابد. ولی در ضمن این حائز اهمیت است که بجای بحث و گفتگو درباره اینکه این یا آن نظریه درست یا نادرست است، وحدت عمل و تمهید تجربه مبارزه زحمتکشان بخاطر صلح، ترقی و عدالت اجتماعی پیش کشیده شود. چنین وحدتی در مقابل خطر جنگ خانمانسوز جهانی و سیاست تلافی جوشی اجتماعی که عملاً علیه تمام نظریات مختلف در سندیکاها است، اینک بویژه مبهم است. ما شرکت کنندگان در جنبش میتوانیم این تجمل را بخود راه دهیم که درباره یک سلسله از مسائل قضاوت های گوناگون داشته باشیم. ولی، وقتی صحبت برسر خود موجودیت سندیکاها و آزادی تحقق وظایف سندیکائی است، این اختلاف نظرها باید کنار گذاشته شود. اگر ما به دشمنان خود گدشت کنیم، اگر نتوانیم صفوف خود را مستحکم سازیم، نتوانیم وحدت خود را استوار ساخته و جبهه نیرومند بین المللی برای مقابله با تعرض سرمایه که بمقیاس بین المللی سازمان یافته بوجود آوریم، تاریخ ما را محکوم خواهد کرد.

پیشنهاد هائی که از طرف کنگره جهانی درباره اقداماتی که باید در سطح سازمان ملل متحد و سازمان بین المللی کار انجام دهند، تهیه شده و مجموعه خواستهائی که در برابر دولتها و کارفرمایان مطرح گردیده، دیدن تردید به تشدید فعالیت جنبش کارگری کمک خواهند کرد. بمنظور هم آهنگ ساختن اقدامات و فعالیت های سندیکاها در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی کنگره ایجاد مرکز بین المللی دفاع از حقوق زحمتکشان و آزادیهای سندیکائی را پیشنهاد کرد.

کنگره نشان داد که جنبش ما عامل اجتماعی مهمی است که بدون در نظر گرفتن آن صحبت از پیشرفت اجتماعی معاصر بسمود خلقها غیر ممکن است. ولی برای افزایش نقش فعال سندیکاها در مبارزه در راه حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زحمتکشان و علیه تضییق و فشار، در مبارزه در راه حقوق حاکمیت ملی و صلح و ترقی وحدت نیروها در تمام سطوح لازم است. برای چنین وحدتی پایه و اساس واقعی وجود دارد. از جمله، مواضع تعیین شده در ارتباط با مسائل صلح و خلع سلاح از طرف کنگره اخیر کفدراسیون بین المللی سندیکاهای آزاد که در اسلو تشکیل گردیده، یادار کنگره کفدراسیون جهانی کار در بادن و در کفدراسیون اروپائی سندیکاها در میلان و همچنین مواضعی که از طرف سایر سازمانهای منطقه ای و خود مختار اتخاذ شده، اگر با مواضع فدراسیون جهانی سندیکاها مطابقت نکند به آنها شباهت دارد. درباره یک سلسله از مسائل اجتماعی - اقتصادی و حقوقی که اکنون مورد نظر توده هائی است که در سندیکاها متشکل گردیده اند نظریات نزدیک بهم و اغلب واحدی وجود دارد.

شرکت کنندگان در کنگره فراخوانی خطاب به زحمتکشان و سندیکاهای تمام کشورها به تصویب رساندند که طی آن خواسته شده است راهبهای برای استحکام وحدت عمل هرچه بیشتر و تأمین وحدت سندیکائی در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی بیابند. آنها فدراسیون جهانی سندیکاهای کنگد راسیون بین المللی سندیکاهای آزاد، کنگد راسیون جهانی کار و سایر سازمانهای بین المللی و منطقه ای را به فعالیت مشترک در مورد بسیاری از مسائل کلی که برای زحمتکشان حائز اهمیت است و درباره آنها وحدت نظر وجود دارد، فراخواندند. اظهار اطمینان شد که چنین همکاری بین المللی سندیکاهای سراسر جهان میتواند بطور ثمربخشی، به ویژه هنگامیکه صحبت برسر وظایف زیرین است، پیشرفت کند:

- جلوگیری از جنگ هسته ای و نابود ساختن کامل سلاح هسته ای و سایر سلاحهای ناپودی جمعی، قدغن کردن ن میلیتاریزه نمودن فضای کیهانی، کاهش هزینه های نظامی، امیدل کردن صنایع نظامی به منبع تولید فرآورده های مفید برای جامعه و همچنین اتخاذ تدابیر دیگری در عرصه خلع سلاح؛
 - حل و فصل سیاسی تمام اختلافاتی که میان کشورها پدید میآید، امتناع از استفاده از اِعمال زور و فشار یا تهدید به توسل بدان و از بین بردن کانونهای تشنج و جنگ؛
 - برنامه های ایجاد محل کار در جهت تأمین اشتغال کامل برای اهالی؛
 - استفاده از دست آورد های علم و تکنیک برای ترقی جامعه بشری، نه برای جنگ و تخریب؛
 - امنیت اقتصادی و پیشرفت اجتماعی تمام کشورها، برقراری نظم اقتصادی بین المللی نو؛
 - دفاع از حقوق سندیکائی و گسترش آنها؛
 - هم آهنگی ثمربخش اقدامات بین المللی همبستگی علیه نژاد پرستی و آپارتاید، علیه نقض آزادیهای دموکراتیک و حقوق بشر؛ علیه استعمار و در راه استقلال ملی؛
 - بیخه کار و دفاع از محیط زیست، تهیه استانداردهای بین المللی تکنیک امنیت در عرصه تولید محصولات تازه و پرورده های تازه ای که برای تندرستی زیانبخش است.
- متأسفانه سه سازمان سندیکائی بین المللی که بزرگترین سازمانهای سندیکائی هستند هنوز نتوانسته اند پشت میز مذاکرات این مسئله را موربحث و مذاکره قرار دهند که چگونگی پروهای خود را متحد ساخته و بیش از ۵۰۰ میلیون نفر از زحمتکشانی را که در آن سندیکاهای متحد شده اند برای انجام اقدامات مشترک گرد هم آورند. در اینکه چنین مذاکراتی انجام نیافته آن محافلی از جنبش سندیکائی مقصرند که هنوز از مواضعی که در دوران تیره و تار " جنگ سرد " اتخاذ کرده بودند دست برنداشته اند. بطور مثال لین کر کلند صدر فدراسیون کار آمریکا - کنگره سندیکاهای صنایع

طی بخشنامه ای به سازمانهای عضو بار دیگر ممنوعیت تماس با فدراسیون جهانی سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و صنفی کشورهای سوسیالیستی را که ۳۱ سال پیش به تصویب رسیده تأیید کرد . ایسن فدراسیون به فرستادن " دلیل و برهان " به وزارت امور خارجه ایالات متحده برای امتناع از دادن ویزا به کارکنان اتحادیه های کارگری کشورهای سوسیالیستی ادامه میدهد .

همانطور که ما در کنگره اعلام داشتیم ، سندیکاها پشت میز مذاکرات بین المللی باید بمسائلی بپردازند که به سرنوشت صلح و آینده جامعه بشری مربوط میشوند . بین این مسائل ، مسئله چگونگی ممانعت از بهبود دادن منابع عظیمی که مسابقه تسلیحاتی از زحمتکشان به اجبار سلب میکند ، حائز اهمیت فراوان است . در مقابل جنبش سندیکائی این وظیفه قرار گرفته است که توده هاراً مبارزه در راه بازگرداندن این وسایل و منابع مادی به کسانی که از آنها گرفته شده اند و همچنین تأمین استفاده معقول از آنها بمنظور بوجود آوردن محل کار و ایجاد زندگی بهتر برای همگان بسیج کند . برای انجام این وظیفه باید تمام موانع را از سر راه دستیابی به وحدت جنبش ما برطرف سازیم . کنگره در بیانیه خود کار پایه واقع بینانه ای را برای اعتدالی همکاری سندیکائی به سطح بالاتری ارائه داد . خواست زمان ما اتحاد هرچه بیشتر نیروهای عظیم جنبش سندیکائی بین المللی برای مبارزه در عرصه دفاع از منافع زحمتکشان و در راه صلح و ترقی اجتماعی است .

علیه تضییق و فشار و پیگرد

به اعدام ها در اندونزی پایان دهید

رژیم نظامی در کشور ما به جنایت تازه ای دست زد: در آغاز اکتبر سال ۱۹۸۶ گردانندگان رژیم نه تن از اعضای رهبری حزب کمونیست اندونزی را اعدام کردند. رفقا ش. کاماروزمان، سوبونو، مولیونو، ع. حنفه، عبداله علیهبانی، ویربو آتمودزو، کامل، هت، هدایت و سود یونو قربانیان رژیم خود کامة و بیداد گاههایی شدند که صدور احکام اعدام بدست دژخیمان حاصل کار آنها بود.

این جنایت خونبار یکبار دیگر چهره شوم دیکتاتوری ضد کمونیستی را به جهانیان نشان داد که بیرحمانه بهترین نمایندگان مردم اندونزی و یا هردگراندیشی را نابود میکند.

طی بیست سال حاکمیت سوهارتو دهها هزارتن میهن پرست، از جمله کمونیستها، ناسیونالیستها و اگر ساده تر بگوئیم افراد شرافتمندی که ترور و اعمال زور از طرف دولت را محکوم میکردند در زندانها وارد و گاههای کار اجباری بهلاکت رسیده اند. اعدامهای اخیر نشان میدهد که رژیم به خشن ترین و انزجار انگیزترین وجهی فراخوانهای مردم جهان را که خواستار لغو احکام اعدام، آزادی زندانیان سیاسی و پایان دادن به تضییق و فشار در اندونزی هستند نادیده میگیرد. ولی امواج اعتراض هم در اندونزی و هم خارج از کشور روز بروز افزایش می یابد. محافل مترقی و دموکراتیک بسیاری از کشورها بیدادگریهای رژیم دیکتاتوری و جنایات آنرا باخشم و انزجار محکوم میکنند.

قتل و کشتار مردم اندونزی را بزانو درنی آورد و آنها را نمی ترساند. مردم با شهامت هرچه بیشتری پیامی خیزند و مخالفت خود را با مشی ارتجاعی و غم و اراده خویشتن را به واژگون ساختن دستگاه استبداد نظامی - بوروکراتیک بروز میدهند. حزب کمونیست اندونزی با مراجعه به مردم مترقی و دموکراتیک در سراسر جهان و به مجامع بین المللی آنها را به محکوم ساختن ترور و تشدید اقدامات همبستگی با قربانیان ظلم و ستم ضد کمونیستی، حفظ جان و حیات زندانیان سیاسی و آزادی بلاد رنگ آنان فورا می خواند. مابه نیرو و قدرت همبستگی باور داریم. حقیقت شکست ناپذیر است.

ساتیا جایا سودیمان

عضور رهبری حزب کمونیست اندونزی و نماینده

آن حزب در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم".

خبرهای کوتاه

جمهوری توده ای دموکراتیک یمن

در اجلاسیه کمیته مرکزی حزب سوسیالیست یمن که در سپتامبر سال ۱۹۸۶ تشکیل گردیده تصمیم گرفته شد کفرانس سراسری حزب در ژوئن سال ۱۹۸۷ فراخوانده شود .

جمهوری توده ای چین

اجلاسیه مشورتی که در پکن برای رسیدگی به مسائل کار و فعالیت حزب کمونیست چین در روستاها تشکیل شده بود بکار خود پایان داد . در این اجلاسیه چهارهزار نفر از نمایندگان سازمان های ایالتی حزب کمونیست چین شرکت جستند . اجلاسیه مشی کمونی حزب را در جهت تکمیل آشکسال و شیوه های اداره امور اقتصاد روستاها و افزایش محصولات کشاورزی معین و مقرر کرد .

شورای اقتصادی اروپا

کمونیست ها ، سوسیالیست ها و متخصصین محیط زیست ، اعضای کمیسیون سیاسی پارلمان اروپا علیه پیشنهاد مبنی بر اشتراك ۱۲ کشور شورای اقتصادی اروپا در برنامه " جنگ ستارگان " آمریکا رأی دادند . در نتیجه کمیسیون این پیشنهادها در ۲۶ رأی در مقابل ۲۴ رأی رد کرد .

کنگره هایی که باید برگزار گردد

در جلسه کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش تصمیم گرفته شد که چهارمین کنگره این حزب در نیمه اول ماه مارس ۱۹۸۷ تشکیل گردد .

شمعین پلنوم دوازدهمین دوره کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مقرر داشت که سیزدهمین کنگره حزب در اکتبر سال ۱۹۸۷ برگزار گردد .

نوزدهمین کنگره نهمی حزب کمونیست نروژ در روزهای ۲۶ - ۲۴ آوریل سال جاری برگزار می گردد .

هندوستان

تعداد اعضای حزب کمونیست هندوستان تا سپتامبر سال ۱۹۸۶، ۴۴۵۱۹۵ نفر بوده است. این رقم از طرف شورای ملی حزب کمونیست هندوستان طی اعلامیه ای انتشار یافته است.

یونان

در انتخابات شهرداری ها که در اکتبر سال ۱۹۸۶ انجام شد، بلوک نیروهای چپ و دموکراتیک که کمونیست ها هم در آن شرکت داشتند به موفقیت های چشمگیری دست یافت. نمایندگان این اتحاد ریاست ۷۲ شهرداری، پاسوک ۱۴۵، دموکراسی نو ۷۹ و مستقلین ۱۴ شهرداری را عهده دار شدند. رویهمرفته در هر دو دور انتخابات از هر پنج نفر رأی دهنده یک نفر به کاندیدهای حزب کمونیست یونان رأی داده است که تقریباً دو برابر آراء حزب کمونیست در چهار سال قبل است.

هائیتی

کمونیست های هائیتی به قانونی که اخیراً در کشور از طرف هیئت های حاکم بتصویب رسیده اعتراض کردند. زیرا طبق این قانون هر حزبی برای به ثبت رساندن موجودیت خود مکلف است صورت اسامی بیش از ۵ هزار نفر از طرفداران خود را منتشر کند.

در شرایطی که از طرف ایالات متحده آمریکا و قشر فوقانی کلیسای کاتولیک به تبلیغات شدید ضد کمونیستی دامن زده میشود، چنین گامی امنیت کسانی را که نام آنان در فهرست حزب کمونیست قید شده باشد به خطر می اندازد.

مجله «مسائل بین‌المللی» که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه‌های آنانست، انتخاب و ترجمه می‌شود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره‌های ۱۱ و ۱۲ (نوامبر - دسامبر) سال ۱۹۸۶ مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» بچاپ رسیده است.

PROBLEMS OF PEACE AND SOCIALISM

Theoretical and information journal of Communist
and Workers' Parties throughout the world

NO 11 , 12 1986

بها دو مارک و نیم‌مادلان

Price: 2 DM its

equivalent

هیتت تحریریه و شورای تحریریه مجله صلح و
سوسیالیسم ، از نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری
کشورهای زیر ترکیب میشود :

اتحاد شوروی - اتریش - اردن - آرژانتین - اسپانیا -
اسرائیل - جمهوری آفریقای جنوبی - اکوادور -
الجزیره - السالوادور - جمهوری دموکراتیک آلمان -
جمهوری فدرال آلمان - اندونزی - اوروگوئه - ایالات
متحدہ آمریکا - ایتالیا - ایران - ایرلند - برزیل -
بریتانیای کبیر - بلژیک - بلغارستان - بلیوی - پاراگوئه -
پاناما - پرتغال - پرو - ترکیه - جامائیکا - چکسلواکی -
دانمارک - جمهوری دومینیکن - رومانی - ژاپن -
سریلانکا - سنگال - سوئد - سویس - سودان - سوریه -
شیلی - عراق - عربستان سعودی - فرانسه - فلسطین -
فنلاند - فیلیپین - قبرس - کانادا - کلمبیا - کوبا -
کوستاریکا - گواتمالا - گویان - لبنان - لوکزامبورگ -
لهستان - مچارستان - مصر - مغولستان - مکزیکو - ونزوئلا -
ویتنام - هندوراس - هندوستان - جمهوری دموکراتیک
خلق یمن - یونان .

